







تعلق داشتن، بودن و شدن



چهارچوب یادگیری در
اوایل کودکی در استرالیا

تهیه شده از سوی وزارت آموزش و پرورش، استخدام و روابط کاری استرالیا برای شورای دولتهای استرالیا

© دولت استرالیا ۹۰۰۲

ISBN 978-0-642-77872-7

این کار دارای حق کپی می باشد. هیچ بخشی از این کار، بجز مواردی که در قانون حق کپی ۱۹۶۸ اجازه آن داده شده است، نباید بدون اجازه دولت استرالیا بازنشر شود. برای درخواست بازنشر و حقوق مربوطه، باید به اداره حق کپی دولت استرالیا، دفتر دادستانی کل، به آدرس Robert Garran Offices, National Circuit, Barton ACT 2600 مراجعه نموده یا درخواست مربوطه از طریق تارنمای <http://www.ag.gov.au/cca> صورت گیرد.

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۷	تصوری از یادگیری در کودکان
۹	اجزاء چهارچوب یادگیری
۹	یادگیری در کودکان
۱۱	آموزش و پرورش در سالهای اولیه کودکی
۱۲	اصول
۱۴	رویه کار
۱۹	اهداف یادگیری برای کودکان از بدو تولد تا ۵ سالگی
۲۰	هدف ۱: کودکان حس هویتی قوی دارند
۲۱	کودکان حس امنیت و پشتیبانی شدن دارند
۲۲	استقلال، وابستگی به دیگران، انعطاف پذیری و حس وساطت بتدریج در کودکان شکل می گیرد.
۲۳	حس خود شناسی با اعتماد به نفس و بصورت آگاهانه در کودکان شکل می گیرد
۲۴	کودکان در تعامل با دیگران یاد می گیرند که اینکار را با دقت، حس همدلی، و احترام انجام دهند
۲۵	هدف دوم: کودکان با دنیای خود ارتباط برقرار کرده و در آن مشارکت می کنند
۲۶	کودکان حس تعلق به گروه و جامعه و درک حقوق و مسئولیت های دوجانبه که برای مشارکت فعال در جامعه به آن نیاز است را در خود شکل می دهند
۲۷	کودکان به تنوع و گوناگونی با احترام واکنش نشان می دهند
۲۸	کودکان از عدالت و انصاف آگاهی می یابند
۲۹	کودکان از نظر اجتماعی مسئولیت پذیر می شوند و با محیط پیرامون خود برخورد درستی دارند
۳۰	هدف ۳: حس خوشبختی در کودکان قوی می باشد
۳۱	کودکان از نظر اجتماعی و احساسی، قوی می شوند
۳۲	کودکان بصورت روزافزون برای سلامتی خود مسئولیت پذیرتر می شوند

- هدف ۴: کودکان اعتماد به نفس دارند و در یادگیری مشارکت می کنند
- ۳۳
- ۳۴ استعداد در کودکان برای یادگیری افزایش می یابد نظیر حس کنجکاوی، همکاری، اعتماد به نفس، خلاقیت، تعهد، اشتیاق، پافشاری، تخیل و تعقل
- ۳۵ یکسری مهارت ها در کودکان رشد می کند نظیر قدرت حل مشکل، تحقیق و بررسی، تجربه کردن، فرضیه سازی، تحقیق و تفحص
- ۳۶ کودکان آنچه را که آموخته اند با خود از یک محیط به محیط دیگر منتقل کرده و با آن سازگار می کنند
- ۳۷ یادگیری در کودکان از طریق ارتباط با دیگران، مکان ها، فن آوری ها و اشیاء طبیعی و پردازش شده صورت می گیرد

- هدف ۵: کودکان مکالمه کنندگان ماهری هستند
- ۳۸
- ۴۰ کودکان به دلایل گوناگون با دیگران بصورت کلامی و غیر کلامی تعامل دارند
- ۴۱ کودکان متون مختلفی را مطالعه کرده و از آنها، مفاهیم را می آموزند
- ۴۲ کودکان با استفاده از ابزار ارتباطی گوناگون، عقاید خود را مطرح کرده و مفهوم سازی می کنند
- ۴۳ کودکان فرا می گیرند که عملکرد سیستم های علائم و طرح ها چگونه است
- ۴۴ کودکان از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای دستیابی به اطلاعات، بررسی مفاهیم و بیان عقاید خود بهره می گیرند

- واژه نامه اصطلاحات
- ۴۵
- کتابشناسی
- ۴۷

مقدمه

این اولین چهارچوب ملی آموزش در استرالیا در سال های اولیه کودکی می باشد و مختص مدرسان این مقطع سنی است. هدف این سند، بسط و غنی سازی یادگیری کودکان از بدو تولد تا پنج سالگی و در گذار به مدرسه می باشد.

شورای دولتی استرالیا این چهارچوب را طرح کرده است تا به معلمان کمک کند فرصت های ممکن را در اختیار کودکان در سنین پایین تر قرار دهند تا نیروی بالقوه در آنان به حداکثر برسد و پایه ای باشد تا بتوانند در یادگیری شان در آینده موفق عمل کنند. بدین ترتیب، چهارچوب یادگیری در سالهای اولیه (چهارچوب) به برآورده شدن هدف شورای دولت های استرالیا کمک خواهد کرد، اینکه:

"همه کودکان بهترین شروع را در زندگی داشته باشند تا آینده ای بهتر را برای خود و کشورشان رقم بزنند."^۱

این چهارچوب از شواهد قطعی بین المللی بهره می گیرد دال بر اینکه دوران اولیه کودکی دوران حیاتی در یادگیری و رشد کودک می باشد. چهارچوب مزبور با توجه به اطلاعات قابل توجه ارائه شده از سوی سازمان های کودکان، دانشگاههایی که با دوران اولیه کودکی سروکار دارند و دولت های محلی، ایالتی، و فدرال، طرح ریزی گردیده است.

این چهارچوب پایه ای است برای اطمینان از اینکه کودکان در آموزش خود در سنین پایین، از یادگیری با کیفیتی بهره می برند. این چهارچوب تاکید خاصی روی یادگیری از طریق بازی کردن دارد و برقراری ارتباط و زبان (شامل ادبیات و محاسبات در سال های اولیه) و رشد اجتماعی و احساسی در آن مهم تلقی شده است. این چهارچوب برای استفاده معلمان کودک طرح ریزی شده است و با همکاری خانواده ها، که اولین و تاثیرگذارترین مربیان کودک هستند، صورت می گیرد.

این سند می تواند مکمل و یا جایگزین چهارچوب های آموزشی در هر یک از ایالت ها باشد. روابط مربوط در هر حوزه کار مشخص خواهد شد.

بطور کلی این چهارچوب در راستای هدف ۲ از بیانیه ملبورن در خصوص اهداف آموزشی جوانان استرالیایی حرکت می کند،^۲ اینکه:

همه جوانان استرالیا:

- دانش آموزان موفق باشند
- اعتماد به نفس داشته و خلاق باشند
- شهروندان فعال و آگاهی باشند

مربیان:

معلمان کودکان خردسال که با آنها بطور مستقیم سروکار دارند.

۱ سرمایه گذاری در سنین پایین- راهبرد ملی رشد کودک در سنین پایین، شورای دولت های استرالیا

۲ روز ۵ دسامبر ۲۰۰۸، وزرای آموزش و پرورش محلی، ایالات و فدرال در جلسه شورای وزرای آموزش و پرورش، اشتغال، کارآموزی، و امور جوانان، بیانیه ملبورن در خصوص اهداف آموزش جوانان استرالیایی را ارائه کردند.

کودکان:

در اینجا به کودکان خردسال، نوپا، و بچه های سه تا پنج ساله اطلاق می شود مگر اینکه غیر از آن تصریح شده باشد.

با توجه به این امر، سند خاصی تهیه خواهد شد و در اختیار معلمان قرار خواهد گرفت که به آنها راهنمایی های بیشتری ارائه می کند برای اطمینان از اینکه امنیت فرهنگی کودکان بومی و Torres Strait Islander مد نظر قرار گیرد. احتمال دارد بتدریج منابع دیگری برای اطمینان از اجرای درست این چهارچوب آموزشی تهیه گردد.

یادگیری از طریق بازی کردن:

محیطی آموزشی که در آن کودکان، با برقراری ارتباط با دیگران، اشیاء، و نمادها، محیط اجتماعی پیرامون خود را سازمان دهی و درک می کنند

همچنین بیانیه ملبورن بر بهبود یادگیری در میان افراد جوان بومی و ساکن Torres Strait Islander توجه داشته و بر آموزش در سنین پایین تاکید دارد.

شورای دولتهای استرالیا متعهد است که شکاف در آموزش بین افراد بومی و غیر بومی استرالیا را ظرف یک دهه کاهش دهد^۲ آموزش در سنین پایین تر نقش بسیار مهمی در حصول این نتیجه بازی می کند.

۳ شورای دولتهای استرالیا- ابلاغیه- ۳ جولای ۲۰۰۸. تغییر افراد بومی- کاهش شکاف،

هدفی برای یادگیری کودکان

همه کودکان نوعی از یادگیری را تجربه می کنند که سازنده است و موفقیت در آینده را برایشان در پی دارد.

بودن

کودکی، زمان بودن و زمان درک دنیای اطراف است.

"اگر می خواهی پری دریایی باشی می توانی آنرا تصور کنی" - جاسمین

بودن بر اهمیت مفهوم اینجا و اکنون در زندگی کودکان تاکید دارد. این مفهوم در خصوص زمان حال است و اینکه کودکان خود را بشناسند، با دیگران رابطه برقرار کرده و آنرا حفظ کنند، از زندگی و پیچیدگی های آن لذت ببرند، و از پس چالش های زندگی روزمره برآیند. سالهای مربوط به کودکی تنها آماده شدن برای آینده نیست بلکه باید به زمان حال نیز بها داد.

شدن

هویت، دانش، ادراک، ظرفیت ها، مهارت ها و روابط کودکان در کودکی تغییر می کند. آنها با توجه به رخدادها و شرایط شکل می گیرند. شدن به روند سریع و مهم تغییرات اشاره دارد که در اوایل کودکی و با یادگیری و رشد در کودکان بوجود می آید. این مفهوم، بر لزوم یادگیری با مشارکت و حضور فعالانه در جامعه تاکید دارد.

"وقتی به گلکاری ادامه دهی باغبان می شوی" - الیویا

پایه این چهارچوب، نگاه به زندگی کودکان با عناوین تعلق داشتن، بودن، و شدن است. از قبل از تولد، کودکان با خانواده، جامعه، فرهنگ، و مکان ها ارتباط برقرار می کنند. اولین مراحل رشد و یادگیری از طریق همین روابط، بخصوص در خانواده صورت می گیرد که اولین و تاثیرگذارترین مریبان کودک هستند. کودکان با ورود به زندگی روزمره، علائق خود را رشد می دهند و هویت و درک از دنیای پیرامون خود را بازسازی می کنند.

تعلق داشتن

تجربه کردن حس تعلق - اینکه بدانیم به کجا و چه کسانی تعلق داریم - جزء لاینفک از حیات بشر است. کودکان در وهله اول به خانواده خود، یک گروه فرهنگی خاص، یک همسایه و در ابعاد بزرگتر به یک جامعه تعلق دارند. تعلق داشتن به این مفهوم اشاره دارد که کودکان در رابطه با دیگران به آنها وابستگی دارند و این پایه ای برای برقراری ارتباط با دیگران و شخصیت سازی (کودک) است. در اوایل کودکی، و در طی زندگی، وجود روابط برای داشتن حس تعلق بسیار مهم است. حس تعلق برای بودن و شدن مهم است از این نظر که این مفهوم به شکل گیری هویت کودکان در حال و آینده کمک می کند.

"تو به این خانه و خانواده تعلق داری" - دانگ

نتیجه یادگیری:

مهارت، دانش، یا استعدادی که مریبان می توانند بطور فعالانه آنها را همکاری کودک و خانواده اش در سنین پایین کودک رشد دهند.

محیط کودک در اوایل کودکی:

مهد کودک تمام وقت یا پاره وقت، خدمات چند منظوره به کودکان بومی، پیش دبستانی و کودکستان، محل های بازی، محل های آموزش به کودکان و خدمات مشابه.

این چهارچوب مریبان را برای طرح ریزی برنامه آموزشی راهنمایی کرده و به آنان برای برنامه ریزی، اجراء، و ارزیابی کیفیت آموزش داده شده در محیط های آموزشی کودکان خردسال کمک می نماید. این چهارچوب همچنین پایه ای برای اجرای برنامه آموزشی ویژه است که در آن شرایط محیط زندگی کودک در نظر گرفته می شود. این چهارچوب طوری طراحی شده است که محاوره و مکالمه در کودکان را تقویت کند و زبان مشترکی بین آنها در محیط یادگیری با خانواده هایشان، جامعه، مریبان کودک، و متخصصان در این زمینه ایجاد نماید.

این چهارچوب دربرگیرنده این نکته است که توقع می رود کودکان از بدو تولد تا پنج سالگی و در ادامه تا زمان رفتن به مدرسه از آموزش خوب و با کیفیتی بهره مند شوند. توقعات مزبور از طریق پنج هدف آموزشی ذیل پیگیری خواهند شد:

- کودکان حس هویتی قوی دارند
- کودکان با دنیای اطراف خود ارتباط برقرار کرده و در آن نقش ایفاء می کنند
- کودکان حس قوی خوشبختی دارند
- کودکان اعتماد به نفس دارند و در یادگیری مشارکت می کنند
- کودکان در ارتباط برقرار کردن، مهارت دارند.

این چهارچوب، دستوراتعمل های کلی برای مریبان کودکان خردسال در محیط های مربوطه ارائه کرده است تا یادگیری در کودکان تسهیل گردد.



اجزاء چهارچوب

این چهارچوب، یادگیری در کودکان را هدف خود قرار داده و از سه جزء مرتبط به هم تشکیل شده است: اصول، رویه کار، و نتایج آموزشی (شکل ۱ را ملاحظه نمایید). همه این سه جزء برای آموزش کودکان خردسال و برنامه ریزی درسی آنها مهم هستند.

برنامه آموزشی، تمامی تعاملات، تجربیات، فعالیت ها و اقدامات، چه برنامه ریزی شده و چه نشده، که برای تقویت یادگیری و رشد کودک در محیط آموزشی کودکان در نظر گرفته شده اند را در بر می گیرد. تاکید این چهارچوب روی بخش برنامه ریزی شده یا جنبه هدفمند برنامه آموزشی می باشد.

کودکان تجربیات گوناگونی را دریافت می کنند. آنچه که در برنامه آموزشی گنجانده می شود یا از آن حذف می شود بر یادگیری، رشد، و درک کودک از جهان خود تاثیر دارد.

این چهارچوب مدلی از طرح ریزی برنامه آموزشی را پشتیبانی می کند که تداوم دارد. این شامل انکاء مریبان به دانش حرفه ای خود، از جمله شناخت شان از هر کودک، می شود.

مریبان با همکاری خانواده های کودکان، از نتایج آموزشی برای برنامه ریزی آموزش کودکان در آینده بهره می گیرند. مریبان برای درگیر کردن کودکان برای یادگیری فعالانه، نقاط قوت و علائق کودک را شناسایی کرده و راهبرد مناسب آموزشی را انتخاب می کنند و محیط آموزشی را بدرستی طرح ریزی می نمایند.

مریبان بدقت آموزش ارائه شده را ارزیابی می کنند تا برنامه ریزی خود در آینده را آگاهانه انجام دهند.

برنامه آموزشی:

در محیط های کودکی، برنامه آموزشی بمعنای تمامی تعاملات، تجارب، فعالیت ها، کارهای روزمره، و اتفاقات، چه برنامه ریزی شده و چه نشده، می باشد و در محیطی روی می دهد که قرار است یادگیری و رشد کودک در آن صورت گیرد. (اقتباس شده از Te Whariki)

آموزش و پرورش:

اقدامات حرفه ای مریبان کودکان خردسال بخصوص مسائلی که به برقراری و استحکام روابط، برنامه ریزی آموزشی، تدریس، و یادگیری می پردازد.

یادگیری کودکان

تنوع در محیط زندگی باعث می شود که کودکان مفاهیم تعلق داشتن، بودن و شدن را از طرق مختلف یاد بگیرند. آنها در یادگیری شان، از تجربیات گوناگون، توقعات، دانش و مهارت های خود بهره می گیرند.

یادگیری کودکان، پویا، پیچیده، و کلی است. جنبه های فیزیکی، اجتماعی، احساسی، شخصی، روحی، خلاقانه، ذهنی، و زبانی در یادگیری بطور پیچیده ای بهم مرتبط اند.

بازی کردن، محیطی آموزشی ایجاد می کند که:

- در آن می توان خصوصیات شخصی و فردی را بروز داد
- استعدادها شامل کنجکاوی و خلاقیت تقویت می شود.
- کودکان را قادر می سازد تا بین تجربیات قبلی و آموزه های جدید ارتباط ایجاد کنند
- به کودکان کمک می کند تا روابط و مفاهیم را خلق کنند.
- حس خوشبختی را در آنها موجب می شود.

کودکان یادگیری خود را فعالانه انجام می دهند و به یادگیری دیگران نیز کمک می کنند. آنها نماینده بودن خود، توانایی شان در یادگیری و هدایت یادگیری، و حق شان برای مشارکت در تصمیم گیری هایی که به آنها مربوط می شود، از جمله یادگیری شان، را تشخیص می دهند

با در نظر گرفتن کودکان بعنوان کسانی که مشارکت فعال دارند و تصمیم گیرنده هستند، این امکان بوجود می آید تا مریبان پیش فرض ها در خصوص توانایی کودکان در انجام کار و یادگیری را کنار بگذارند. این امر مستلزم آن است که مریبان به ویژگی ها و توانایی های فردی هر کودک توجه کرده و روی آن تمرکز کنند.

نحوه کار و برقراری ارتباط مریب با کودک و خانواده وی تاثیر مهمی روی مشارکت و موفقیت کودک در یادگیری دارد. کودکان زمانی رشد و نمو می کنند که خانواده ها و مریبان با همدیگر همکاری کنند تا یادگیری در کودک بهتر صورت گیرد.

یادگیری در اوایل کودکی بر موفقیت های آینده کودک تاثیر دارد. حس خوشبختی و ارتباط قوی با دیگران، خوشبینی و در مسائل وارد شدن، کودکان را قادر می سازد تا نگرش مثبتی به یادگیری داشته باشند.

بخش نتایج یادگیری در چهارچوب یادگیری، نمونه هایی از شواهد مربوط به یادگیری کودکان و نقش مریبان در این خصوص را در بر دارد.



شکل ۱: اجزاء چهارچوب یادگیری در خردسالی

استعدادها:
 عادات دیرپای ذهنی و عملکردی، و تمایل به واکنش به موقعیت ها به شیوه خاص، بعنوان مثال، داشتن دید مثبت، تمایل به پشتکار داشتن، تجربه های جدید همراه با اعتماد به نفس (Carr, ۲۰۰۱)

مشارکت:
 به فعالیت ذهنی زیاد و خودخواسته همراه با تمرکز اطلاق می شود که با انگیزه ای درونی همراه است. کودکان (و بزرگسالان) که با انگیزه بالا باشند از بیشترین توان خود استفاده می کنند که این امر منجر به تغییر نحوه واکنش و درک آنها شده و این خود، یادگیری بهتری را بهمراه دارد (اقتباس شده از Laevers ۱۹۹۴)

آموزش و پرورش خردسالان

- اصطلاح آموزش و پرورش به ماهیت کلی اقدامات حرفه ای مربیان کودکان خردسال (بخصوص جنبه هایی از آن که به برقراری و استحکام روابط می پردازد)، برنامه ریزی آموزشی، تدریس، و یادگیری اشاره دارد. هنگامیکه مربیان رابطه ای محترمانه و دلسوزانه با کودکان و خانواده های آنها برقرار کنند، قادر خواهند بود به کمک آنها برنامه و اقدامات آموزشی را به اجراء بگذارند که مرتبط با کودک مورد نظر و محیط پیرامون وی باشد. این اقدامات بتدریج دانش و درک کودک از دنیای خود را افزایش خواهد داد.
- تصمیمات حرفه ای مربیان نقش محوری در اقدامات آنها تسهیل یادگیری در کودکان دارد. آنها باید برای گرفتن تصمیمات حرفه ای از موارد زیر بهره بگیرند:
 - دانش و مهارت های حرفه ای
 - دانش کودک، خانواده، و جامعه
 - آگاهی از این امر که عقاید و ارزش های آنها چه تاثیری بر یادگیری کودکان دارد
 - سلائق شخصی و تجربیات گذشته.
- آنها همچنین از خلاقیت، شرم درونی، و تصورات خود بهره می گیرند تا به آنها کمک کند اقدامات خود را فی البداهه انجام داده و تعدیل کنند بطوریکه متناسب با زمان، مکان، و بافت محیط آموزشی باشد.
- فرضیات مختلف در خصوص کودکی می تواند نقش مثبتی در روشهای آموزشی و رشدی کودکان داشته باشد. مربیان کودکان خردسال از دیدگاه های مختلفی در کار خود بهره می گیرند که می تواند شامل موارد زیر باشد:
 - فرضیات رشدی که بر توصیف و درک روند تغییر در یادگیری و رشد کودک با گذشت زمان تمرکز دارد
 - فرضیات اجتماعی-فرهنگی که بر نقش محوری خانواده و گروه های فرهنگی در یادگیری کودک و اهمیت داشتن روابط محترمانه تاکید دارد و اطلاعاتی در خصوص بافت های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با یادگیری و رشد ارائه می کند.
- فرضیات اجتماعی-رفتاری که بر نقش تجربیات در شکل گیری رفتار کودک تمرکز دارند
- فرضیات منتقدانه که از مربیان کودکان خردسال می خواهند تا پیش فرض های مربوط به برنامه های آموزشی را به چالش بکشند و این مسئله را مورد توجه قرار دهند که تصمیمات آنها می تواند تاثیرات متفاوتی بر کودکان بگذارد.
- فرضیات پسا ساختاری که اطلاعاتی در خصوص مسائل مربوط به قدرت، برابری، و عدالت اجتماعی در محیط های مربوط به کودکان خردسال ارائه می دهند.
- بهره گیری از دیدگاه ها و نظریات مختلف می تواند روش های سنتی برخورد با کودکان، تدریس و آموزش آنها را به چالش کشیده و مربیان را ترغیب کند تا بعنوان یک فرد و یا با همکاری همکاران خود موارد زیر را انجام دهند:
 - بررسی کنند که چرا از روش خاصی استفاده می کنند و دلیل آن چیست
 - فرضیات مختلف را بررسی و در مورد آنها بحث کنند تا نقاط قوت و ضعف مشخص گردد
 - بررسی کنند که فرضیات و نظراتی که از آنها در کار خود استفاده می کنند چگونه می تواند اقدامات و افکارشان را تقویت و یا در عین حال محدود کند
 - عواقب اقدامات شان در خصوص کار با کودکان را در نظر بگیرند
 - راههای جدیدی برای انجام کار بصورت درست و عاقلانه بیابند



اصول

شوند تا با مربیان برای برنامه ریزی درسی همکاری کنند تا بدین ترتیب اطمینان حاصل شود که اقدامات آموزشی صورت گرفته، معنادار هستند.

مشارکت، بر پایه درک متقابل از انتظارات و نگرش های یکدیگر بوده و از دانش طرف مقابل استفاده می شود.

در یک مشارکت اصیل، خانواده ها و مربیان کودکان خردسال:

- به دانش طرف مقابل از هر کودک ارزش قائل می شوند
- به اقدامات طرف مقابل و نقشی که او در زندگی کودک ایفاء می کند بها می دهند
- به همدیگر اعتماد دارند
- با همدیگر بطور آزاد و محترمانه گفتگو می کنند و ارتباط دارند
- نقطه نظرات و دیدگاه هایشان در خصوص هر کودک را با هم در میان می گذارند
- در تصمیم گیری ها همدیگر را دخالت می دهند و با هم تصمیم می گیرند.

در کار اشتراکی، مربیان، خانواده ها، و افراد حرفه ای پشتیبان در اینکار، با یکدیگر همکاری می کنند تا پتانسیل های یادگیری در امور روزمره و بازی ها شناسایی شوند تا کودکانی که به کمک بیشتری نیاز دارند فرصت های بیشتری برای مشارکت در یادگیری در محیط خانه و محل های آموزشی در اختیار داشته باشند.

۳. توقع بالا و تساوی حقوق

مربیان کودکی که به تساوی حقوق پایبند هستند بدون در نظر گرفتن شرایط و توانایی های متفاوت (در کودکان)، به ظرفیت های آنها برای نیل به موفقیت باور دارند. کودکان زمانی خوب پیشرفت می کنند که والدین، مربیان، و خود کودکان توقع بالایی نسبت به موفقیت شان در یادگیری داشته باشند.

موارد زیر پنج اصلی هستند که شواهد مربوط به فرضیات و تحقیقات معاصر را در خود منعکس کرده اند و به یادگیری در کودکان و آموزش کودکان خردسال مربوط می شوند: این اصول محور و پایه اقداماتی هستند که هدف آن کمک به کودکان برای ارتقاء یادگیری می باشد.

1. روابط مطمئن، محترمانه و دوجانبه

مربیان که به افکار و احساسات کودکان خود توجه می کنند، احساس خوشبختی را در آنها تقویت می کنند آنها با کودکان در هنگام یادگیری تعامل مثبتی دارند.

تحقیقات نشان داده است که کودکان هم آسیب پذیر و هم توانا هستند. اتکای کودکان به خانواده خود و دیگران در روابط شان، پایه مطمئنی است تا به کاوش و یادگیری بپردازند.

با گسترده شدن شبکه روابط ایمن، کودکان اعتماد به نفس پیدا کرده و احساس می کنند که مورد احترام هستند و دیگران به آنها بها می دهند. آنها بطور فزاینده می توانند احساسات دیگران را تشخیص داده و آنرا درک کنند و با دیگران تعاملی مثبت داشته باشند.

مربیان که به برقراری روابط در کودکان اولویت قایل شده و به آنها پشتیبانی احساسی بدهند می توانند به آنها کمک کنند تا مهارت ها و ادراک خود را افزایش داده و با دیگران ارتباط مثبتی ایجاد کنند. آنها همچنین به کودکان کمک می کنند تا در مورد مسئولیت شان در قبال دیگران بیاموزند، بعنوان دانش آموز، اهمیت ارتباط با دیگران را درک کنند و به همکاری با آنها و کار تیمی ارزش قائل شوند.

۲. مشارکت

اهداف آموزشی زمانی محقق می شوند که مربیان کودکان خردسال در این زمینه با خانواده های آنها همکاری کنند. مربیان باید درک کنند که خانواده کودک اولین و تأثیرگذارترین معلمان او هستند. مربیان مزبور محیطی گرم را ایجاد می کنند که در آن به کودکان و خانواده هایشان احترام گذاشته شده ترغیب می

5. یادگیری مستمر و اقدامات متفکرانه

مربیان بطور مستمر بدنبال روش هایی برای اضافه کردن به دانش حرفه ای خود و رشد یادگیری در جامعه هستند. آنها خود با کودکان، خانواده هایشان، و جامعه به یادگیری می پردازند و به دانش غنی بومی و تداوم آن ارزش قائل می شوند که اعضای جامعه از جمله افراد بومی و افراد مسن Torres Strait Islander از آن بهره می برند.

اقدامات متفکرانه نوعی یادگیری بلاوقفه است که به فلسفه، اخلاقیات، و رویه بکار گرفته شده می پردازد. هدف از آن جمع آوری اطلاعات و دستیابی به بینشی است که به روند تصمیم گیری کمک کرده تا بتوان در مورد یادگیری کودکان، تصمیم گیری بهتر و آگاهانه ای انجام داد. مربیان کودک بعنوان افرادی حرفه ای، اتفاقاتی که در محیط آموزشی روی می دهد را بررسی کرده و در اینمورد فکر می کنند که چه چیزی باید تغییر کند.

تفکر منتقدانه، بررسی دقیق تمامی جنبه های اتفاقات و وقایع رخ داده از دیدگاه های مختلف است. مربیان در روند بررسی منتقدانه خود، ابتدا سوالات کلی طرح می کنند و سعی می کنند که در ادامه سوالات تخصصی تر که به یک حوزه خاص مربوط باشد را مورد نظر قرار دهند.

سوالات کلی برای بررسی شامل موارد زیر می شود:

- شناخت من از هر کودک چگونه است؟
- چه فرضیاتی، فلسفه ها، و مفاهیمی، کار من را شکل داده و به من (در کار) کمک می کنند؟
- وقتی من به این صورت کار می کنم چه کسی از آن بیشتر بهره می برد؟ چه کسی مورد بی توجهی قرار می گیرد؟
- چه سوالاتی در مورد کارم را باید مورد توجه قرار دهم؟ چالش های پیش روی من چه هستند؟ چه مواردی توجه من را به خود جلب کرده است؟ موانع پیش روی من چه هستند؟
- در فرضیه ها و راهنمایی هایی که من معمولاً از آنها در کارم استفاده می کنم تا کارم معنا داشته باشد چه جنبه هایی از کارم در نظر گرفته نشده است؟
- آیا فرضیه یا اطلاعات دیگری وجود دارد که بتواند برای درک بهتر آنچه که من مشاهده یا تجربه می کنم به من کمک کند؟ این فرضیه ها چه هستند؟ این فرضیاتی و علوم چگونه می تواند بر کار من تاثیرگذار باشد؟

فرهنگ پویای تحقیق بصورت حرفه ای زمانی شکل می گیرد که مربیان کودک و کسانی که با آنها کار می کنند همگی در یک چرخه دائمی بررسی مشارکت کنند تا بدین وسیله اقدامات صورت گرفته مورد ارزیابی و نتایج مورد بازبینی قرار گیرد و ایده های جدید شکل بگیرند. در چنین فضایی، مسائل مربوط به کیفیت آموزش، تساوی حقوق و رفاه کودکان می تواند مورد بحث قرار بگیرد.

مربیان موانع نیل به موفقیت در یادگیری کودک را شناسایی کرده و به آن عکس العمل نشان می دهند. در واکنش به آن، آنها اقدامات آموزشی که عدم تساوی حقوق در کودکان را در پی دارد به چالش کشیده و برنامه ریزی درسی را طوری انجام می دهند تا مشارکت و شمول همه کودکان در یادگیری بیشتر شود. مربیان با افزایش دانش و مهارت های حرفه ای خود و با همکاری کودکان، خانواده ها، و سازمان ها و نهاد های دیگر بطور مداوم تلاش می کنند تا روش های موثر و ارتقاء دهنده تساوی حقوق را بیابند تا اطمینان حاصل شود که همه کودکان برای نیل به اهداف آموزشی، امکان و فرصت لازم را دارند.

4. محترم شمردن تنوع و گوناگونی

روش های مختلفی برای زندگی کردن، بودن، و کسب دانش وجود دارد. کودکان هنگام تولد به یک فرهنگ خاص تعلق دارند که نه تنها متأثر از رویه های سنتی، میراث و دانش اجدادی شان است بلکه از تجربیات، ارزش ها و اعتقادات خانواده ها و جامعه مربوطه تأثیر می پذیرد. بها دادن به تنوع و گوناگونی بدین معناست که آنها در برنامه آموزشی به رویه، ارزش ها، و عقاید خانواده ها ارزش قائل شده و در برنامه آموزشی لحاظ شوند. مربیان باید به تاریخچه، فرهنگ، زبان، سنت ها، و نحوه پرورش کودک و نیز نحوه زندگی خانواده ها احترام قائل شوند. آنها باید به ظرفیت های مختلف کودکان بها داده و به تفاوت ها در زندگی خانواده ها با احترام برخورد کنند.

مربیان این مسئله را درک می کنند که تنوع به غنای جامعه ما کمک می کند و پایه معتبری برای روش های شناخت (دیگران) می گردد. در خصوص استرالیا، این مسئله شامل بالا بردن آگاهی در خصوص راههای شناخت و بودن افراد بومی و Torres Strait Islander می باشد.

زمانیکه مربیان کودک به تنوع در خانواده ها و جامعه احترام قائل شده و نیز اهدافی که برای کودکان در نظر دارند را پیگیری کنند می توانند انگیزه کودکان برای یادگیری را برانگیخته و حس توانا بودن آنها در یادگیری را تقویت کنند. آنها برنامه آموزشی طرح می کنند که به حق کودک برای به رسمیت شناخته شدن فرهنگ، هویت، توانایی ها، و نقاط قوت وی کمک کرده و برای آنها ارزش قائل می شود و پیچیدگی های زندگی کودک و خانواده وی در نظر گرفته می شود.

مربیان به فرصت ها و مسائل پیچیده ای که ممکن است بر اثر تنوع و گوناگونی بوجود آید خوب فکر می کنند و سعی می کنند نابرابری ها را از بین ببرند. آنها فرصت های یادگیری در خصوص شباهت ها و تفاوت ها و وابستگی ها به هم و چگونگی زندگی کردن در کنار هم را (برای کودکان) فراهم می کنند.



رویه کار

و مشارکت در یادگیری را مهم تلقی می کنند. آنها، یادگیری را فعالیتی اجتماعی تصور کرده و به یادگیری با همکاری هم و مشارکت جامعه در آن ارزش قائل می شوند.

روش یکپارچه و کلی در تدریس و یادگیری همچنین به ارتباط آن با دنیای بیرون توجه دارد. مربیان ظرفیت کودکان را افزایش می دهند تا محیط بیرونی و ارتباطی که بین انسانها، گیاهان، حیوانات، و زمین وجود دارد را درک کرده و آنرا محترم بشمارند.

پاسخگو بودن نسبت به کودکان

مربیان به نقاط قوت، توانایی ها، و علائق کودکان توجه می کنند. آنها به نقاط قوت، مهارت ها، و دانش کودکان ارزش قائل شده و روی آن تمرکز می کنند تا از وجود انگیزه و توجه و تمرکز کودک در یادگیری اطمینان حاصل کنند. آنها به مهارت های کودکان، سنت های فرهنگی، و روش های شناخت، و چند زبانه بودن برخی از کودکان، بخصوص بومیان و کودکان Torres Strait Islander و نیز راهبردهایی که کودکان خاص از آنها برای برآورده کردن نیازهای روزمره خود استفاده می کنند توجه می کنند.

چهارچوب:

تصمیمات و اقدامات مربی که بر پایه آموزه ها و مهارت های فعلی کودکان انجام می گیرد تا یادگیری در آنها تقویت شود.

اصول آموزش کودک، زیرساخت و پایه اقدامات بکار گرفته شده است مربیان با توجه به مسائل ذیل به مجموعه غنی انکاء می کنند تا یادگیری بهتر صورت گیرد:

- اقتباس روش های کلی
- پاسخگو بودن به کودکان
- برنامه ریزی و اجرای آموزش از طریق بازی
- تدریس هدفمند
- ایجاد محیط فیزیکی و اجتماعی یادگیری که تاثیر مثبت بر یادگیری کودکان داشته باشد
- ارزش گذاری نسبت به محیط فرهنگی و اجتماعی کودک و خانواده اش
- ایجاد فضایی برای تداوم تجربه کردن و قادر ساختن کودک برای گذاری موفق (به مرحله بعد)
- داشتن ارزیابی و نظارت بر یادگیری در کودک بمنظور بهبود عملکرد و پشتیبانی از کودک برای نیل به اهداف آموزش

روش های کلی

در روش های کلی تدریس و آموزش، بین ذهن، بدن، و روح ارتباط وجود دارد. وقتی مربیان کودک روش کلی را اتخاذ می کنند به جنبه های فیزیکی، شخصی، اجتماعی، احساسی، روحی روانی، و ذهنی یادگیری در کودک توجه می کنند. مربیان ممکن است برنامه ریزی یا ارزیابی خود را با تمرکز به هدف یا جنبه ای خاص از یادگیری انجام دهند اما در هر صورت یادگیری در کودکان را بصورت یکپارچه و بهم پیوسته می بینند. آنها معتقدند بین کودک، خانواده، و جامعه ارتباط وجود دارد و ارتباط دوسویه

شروع می کند و آموزشی که از سوی مربی ارائه می شود برقرار می کنند. آنها محیط آموزشی ایجاد می کنند که کودکان را ترغیب به کاوش، حل مسئله، نوآوری، و طرح ریزی کند. مربیان با کودکان خردسال تعامل دارند تا با آنها ارتباط عاطفی برقرار کنند. آنها از مسائل روزمره و بازی کردن برای اینکار استفاده می کنند. آنها همچنین لحظات آموزش بداهه را درست در زمانی که باید انجام شود تشخیص داده و از آن برای یادگیری بیشتر کودک استفاده می کنند. مربیان کودک برای ارتقاء و مدل سازی روش های مثبت برقراری ارتباط با دیگران، با کودکان کار می کنند. آنها بطور فعال از شرکت همه کودکان در بازی حمایت می کنند، به آنها کمک می کنند تا تشخیص دهند چه موقع بازی ناعادلانه است، روش های سازنده ای را بکار می برند تا محیط یادگیری، گرم، عادلانه، و دربرگیرنده همه کودکان باشد.

تدریس هدفمند

تدریس هدفمند، آگاهانه، با هدفی مشخص، و با تفکر همراه است.

مربیان که به تدریس هدفمند می پردازند می دانند که یادگیری در محیط اجتماعی رخ می دهد و اینکه تعامل و محاوره برای یادگیری، ضروری می باشد. آنها بطور فعال یادگیری کودکان را با کارهای مفید و چالشی و تعاملاتی که مهارتهای فکری آنها را مورد توجه قرار می دهد ارتقاء می بخشند. آنها از راهبردهایی نظیر مدل سازی، تشریح کردن، سوالات باز، فرضیه پردازی، توضیح دادن، تفکر گروهی، و حل مسئله استفاده می کنند تا میزان فکر و یادگیری کودکان را بالا ببرند. مربیان نقش های مختلفی را بر عهده می گیرند و از راهکارهای متفاوت با توجه به محیط آموزشی بهره می برند. آنها برای تدریس هدفمند و افزایش دانش کودکان، فرصت سازی می کنند. آنها میزان یادگیری کودکان را مکتوب کرده و نظارت می کنند.

محیط های یادگیری

محیط های یادگیری، محیط های گرم هستند که هویت و زندگی کودکان و خانواده هایشان را غنی تر می کنند و در آن ها، به علائق و نیازهای کودکان توجه می شود. محیط هایی که یادگیری در آنها تقویت میشود محیط هایی پویا و انعطاف پذیرند که در آن به علائق و توانایی های هر کودک توجه می شود. آنها ظرفیت و سبک های متفاوت یادگیری را لحاظ می کنند و از کودکان و خانواده هایشان می خواهند تا ایده ها، علائق، و سوالات خود را مطرح کنند.

محیط های باز، یکی از ویژگی های محیط های یادگیری در استرالیا هستند. این محیط ها امکانات متعددی ارائه می کنند که در

مربیان همچنین به عقاید و بازی کودکان عکس العمل نشان می دهند که پایه ای مهم برای تصمیم گیری در خصوص برنامه ریزی آموزشی می باشد. مربیان در واکنش به ایده ها و علائق در حال شکوفایی کودکان، یادگیری آنها را با استفاده از سوالات باز، دادن بازخورد، به چالش کشیدن تفکرات آنها، و راهنمایی کردن شان در روند یادگیری، ارزیابی، پیش بینی، و تقویت می کنند. ممکن است مربیان از "لحظات آموزش" برای ساختن چهارچوب یادگیری کودکان بهره بگیرند.

روابط در یادگیری از نوع واکنشی با یادگیری مربی و کودکان از یکدیگر، گرفتن تصمیمات با همکاری هم، احترام و اعتماد به هم تقویت می گردد. مربی با واکنش نشان دادن، به محیط بازی و کارهایی که کودکان انجام می دهد داخل شده، فکر کودکان را تحریک کرده و یادگیری آنها را ارتقاء می دهد.

یادگیری از طریق بازی

بازی کردن به کودکان این امکان را می دهد تا همانطور که کشف و نوآوری می کنند و کاری را فی البداهه انجام می دهند و یا خیال پردازی می کنند، یاد هم بگیرند. وقتی کودکی با کودکان دیگر بازی می کند، یک گروه اجتماعی را شکل می دهد، ایده ها را می آزماید، تفکر دیگران را به چالش می کشد و درک جدیدی پیدا می کند. بازی کردن، محیطی حمایتی را ایجاد می کند که کودک در آن می تواند سوال بپرسد، حل مسئله کند، و به تفکری منتقدانه بپردازد. بازی می تواند فکر کودک را باز کند و تمایل وی به یادگیری و دانستن را افزایش دهد. بدین ترتیب، بازی می تواند استعداد های مثبت برای یادگیری را شکوفاتر کند. غرق شدن کودکان در بازی که انجام می دهند نشان دهنده آن است که بازی چگونه آنها را قادر می سازد تا بسادگی از بودن خود لذت ببرند.

مربیان کودک نقش های زیادی را در بازی با کودکان بعهدده می گیرند و از یکسری راهبردها برای ارتقاء یادگیری بهره می برند. آنها بطور مداوم با کودکان محاوره دارند تا میزان تفکر در کودکان بیشتر شود⁵. آنها توازن بین مکالمه ای که کودک آنها هدایت یا

تدریس هدفمند:

به تصمیم گیری و اقدامات مربیان اشاره دارد که با برنامه ریزی قبلی، هدفمند و متفکرانه صورت می گیرد. تدریس هدفمند نقطه مخالف تدریس بخاطر شغل یا ادامه دادن رویه سنتی تدریس است فقط به این دلیل که تدریس قبلاً به اینصورت انجام می شده است.

5 Siraj-Blatchford, I., & Sylva, K. (2004). تحقیق در خصوص آموزش در کودکان پیش دبستانی در انگلیس. 730-British Educational Research Journal, 30(5), 712

مهارت فرهنگی چیزی فراتر از آگاهی داشتن نسبت به تفاوت های فرهنگی می باشد. این مهارت، توانایی درک و مکالمه و تعامل موثر با دیگرانی است که فرهنگ متفاوت دارند. مهارت فرهنگی شامل موارد زیر می شود:

- آگاهی نسبت به دیدگاه خود از دنیا
- داشتن طرز فکر مثبت نسبت به تفاوت های فرهنگی
- کسب دانش نسبت به فرهنگ ها و دیدگاه های مختلف
- پرورش مهارتها برای مکالمه و تعامل در میان فرهنگ ها

تداوم یادگیری و گذار (از یک مرحله به مرحله دیگر)

کودکان، روش های بودن، تعلق داشتن، و شدن را در محیط های کودکی بکار می گیرند. با بکارگیری این روش ها، آنها احساس امنیت، اطمینان، و لحاظ شدن شان از سوی دیگران را داشته و موجب می شوند چگونه بودن و چگونه یادگرفتن تداوم داشته باشد.

گذار، شامل رفتن از خانه به محیط کودکستان، از یک محیط به محیط دیگر، و از محیط کودکستان به مدرسه، می تواند فرصت ها و چالش های خود را در پی داشته باشد. در مکان ها و فضاهای مختلف، اهداف، توقعات، و روش های انجام کار با هم فرق می کند. توجه به تجربیات قبلی و حال کودکان به آنها کمک می کند تا احساس امنیت و اطمینان کرده و با افراد، مکان ها، وقایع، و مفاهیم آشنا ارتباط برقرار کنند. کودکان، خانواده ها، و مربیان کودک همگی برای گذار کودک از مرحله ای به مرحله دیگر به این روند کمک می کنند.

مربیان کودک با همکاری خانواده ها اطمینان حاصل می کنند که کودکان نقشی فعال در آماده شدن برای گذار (از مرحله ای به مرحله دیگر) دارند. آنها به کودکان کمک می کنند تا سنت ها، رویه های معمول، و کارهایی که قرار است در محیطی که به آن نقل مکان می کنند انجام دهند را درک کرده و این روند تغییر را براحتی انجام دهند.

مربیان کودک همچنین به کودکان کمک می کنند تا تغییر هویتی یا موقعیتی خود را بهتر انجام دهند بخصوص زمانیکه بخواهند بطور تمام وقت به مدرسه بروند. با رفتن کودک به محیط جدید (شامل مدرسه)، مربیان کودکستان و مدرسه باید اطلاعات مربوط به آموخته ها و مهارت های هر کودک را با هم در میان بگذارند تا یادگیری با توجه به آموخته های قبلی انجام گیرد. مربیان با مربی جدید هر کودک و افراد حرفه ای دیگر همکاری می کنند تا مطمئن شوند که گذار به مرحله جدید با موفقیت همراه است.

محیط های بسته وجود ندارند. فضاهای بازی در محیط های طبیعی شامل گیاهان، درختان، میوه های خوراکی، شن، سنگ، گل، آب، و دیگر اجزاء طبیعت می باشد. این فضاها، فرد را به داشتن تعاملات نامحدود، فی البداهه بودن، ریسک پذیری، کاوش، کشف و ارتباط با طبیعت ترغیب می کنند. این گونه محیط ها، درک محیط طبیعی را امکان پذیرتر می کنند، آگاهی محیطی را بالا می برند و فضای را فراهم می کنند تا آموزش محیطی بصورت بی وقفه انجام گیرد.

محیط های درونی و بیرونی، تمامی جنبه های یادگیری در کودکان را تقویت می کنند و موجب ایجاد محاوره بین کودکان، مربیان، خانواده ها، و در مقیاس وسیعتر، جامعه می گردند. آنها فرصت سهیم شدن در افکار یکدیگر و یادگیری اشتراکی را فراهم می کنند.

اشیاء وقتی یادگیری را بالا می برند که منعکس کننده آنچه که طبیعی و آشناست باشند و نیز برای کودک تازگی داشته باشند تا در او علاقه ایجاد کرده و تفکر انتزاعی و پیچیده را سبب شوند. بعنوان مثال، فن آوری دیجیتال می تواند کودک را قادر کند تا با دیگران و منابع موجود در سطح جهانی ارتباط برقرار کند و وی را ترغیب کند تا طرز فکر جدیدی پیدا کند. محیط ها و منابع طبیعی همچنین مسئولیت ما برای آینده را به ما متذکر می شوند و درک کودک و مسئولیتش برای مراقبت از طبیعت را بالا میبرند. این محیط ها می توانند در کودکان امید، دانش، و کنجکاوی نسبت به دنیای بیرونی ایجاد کنند.

مربیان می توانند کودکان و خانواده ها را ترغیب کنند تا نسبت به محیط یادگیری، ایده ها، علائق خود را مطرح کرده و سوالات خود را پرسند. مربیان می توانند با اختصاص دادن زمان به کودکان برای داشتن تعامل معنادار، خلق یکسری فرصت ها برای آنها و در میان گذاشتن تجربیات، و با دادن فرصت به کودکان برای حضور در جامعه و مشارکت در آن، از ورود آنها به مسائل پشتیبانی کنند.

مهارت فرهنگی

مربیان که از نظر فرهنگی توانا هستند، به فرهنگ های مختلف، دیدگاه ها، نظرات، و روش های مختلف زندگی کردن احترام می گذارند و از تنوع و گوناگونی استقبال می کنند و این توانایی را دارند که تفاوت ها را درک کرده و با احترام به آنها بنگرند. این مسئله زمانی در اقدامات روزمره مربیان مشهود است که آنها نسبت به رشد آگاهی فرهنگی خود در یک تعامل دو طرفه با خانواده ها و جامعه اقدام کنند.

مربیان، فرهنگ و محیط خانوادگی را برای داشتن حس بودن و تعلق داشتن کودک و موفقیتش در یادگیری مهم می دانند. مربیان همچنین بدنال ارتقاء مهارت فرهنگی کودکان هستند.

ارزیابی یادگیری

ارزیابی یادگیری در کودک به روند جمع آوری و بررسی اطلاعاتی که کودک می‌داند، می‌تواند انجام دهد و درک می‌کند اشاره دارد. این بخشی از چرخه ای است که شامل برنامه ریزی، مکتوب سازی، و ارزیابی آموزه های کودکان می‌شود.

این امر مهم است چون مربیان را قادر می‌سازد تا با همکاری خانواده ها، کودکان، و افراد حرفه ای دیگر بتوانند:

- برای یادگیری فعلی و آینده کودکان برنامه ریزی موثری داشته باشند
- در خصوص یادگیری و پیشرفت کودکان با هم تبادل نظر کنند
- تعیین این که کودکان تا چه حد توانسته اند به سمت اهداف آموزشی پیشرفت کنند و چه مانعی ممکن است سر راه پیشرفت آنها قرار داشته باشد
- کودکانی که به پشتیبانی بیشتر برای نیل به اهداف آموزشی نیاز دارند را شناسایی کرده و پشتیبانی های لازم را به آنها بدهند یا به خانواده هایشان کمک کنند تا کمک تخصصی تری دریافت کنند.
- ارزیابی از میزان موثر بودن فرصت ها، محیط ها، و اقدامات آموزشی صورت گرفته و نیز روش هایی که برای آموزش کودکان از آنها بهره گرفته شده است انجام دهند.
- در خصوص آموزشی که برای محیط آموزشی و کودکان مورد نظر مناسب تر است بررسی انجام دهند.

مربیان از یکسری راهبردها برای جمع آوری، مکتوب کردن، سازماندهی، ادغام، و تعبیر اطلاعاتی که برای آموزش کودکان گردآوری می‌کنند استفاده نمایند. آنها بدنبال راههای مناسب برای گردآوری اطلاعات با محتوا و با معنا می‌گردند که یادگیری کودکان در محیط آموزش را به تصویر بکشد، پیشرفت شان را مشخص کند، و نقاط قوت، مهارت ها، و میزان ادراک آنها را نشان دهد. در روش های جدیدتر ارزیابی، راهبردهای یادگیری که کودکان از آنها استفاده می‌کنند و نیز روش هایی که در آن، یادگیری بصورت تعاملی بین مربی و هر کودک انجام می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد. این روش های ارزیابی در صورتیکه بطور موثر مورد استفاده قرار گیرند روش های خوبی برای کودکان خانواده ها، مربیان و افراد حرفه ای دیگر در روشن شدن روند یادگیری کودکان خواهند بود.

همانطور که بعداً به آن اشاره خواهد شد، پنج هدف آموزشی در این چهارچوب، نکات کلیدی را در اختیار مربیان کودک قرار می‌دهند که بتوانند بوسیله آن میزان پیشرفت کودکان را مشخص و

مکتوب کرده و در اختیار خانواده ها، افراد حرفه ای در اینکار، و مربیان مدرسه قرار دهند. مربیان با گذشت زمان می‌توانند میزان پیشرفت کودکان، چگونگی برخورد آنها با مسائل پیچیده در محیط های آموزشی پیشرفته تر را بررسی کنند.

رویه های ارزیابی مستمر که شامل یکسری اقدامات است مسیرهای مختلفی که کودکان برای نیل به این اهداف طی می‌کنند را مشخص و تعیین می‌کنند. این رویه ها فقط خود را محدود به نقطه پایانی یادگیری کودکان نمی‌کنند، آنها میزان یادگیری هر کودک را نیز مورد ملاحظه قرار می‌دهند و نه تنها قدم های بلند در یادگیری هر کودک را مشخص می‌کنند بلکه گام های کوچک در این مسیر را نیز مشخص و آنرا ارجح می‌نهند. همه کودکان مسیرهای یادگیری متفاوتی نسبت به هم دارند. روش های ارزیابی که از نظر فرهنگی و زبانی مرتبط بوده و به توانایی های فیزیکی و ذهنی هر کودک توجه نشان می‌دهند اینرا نیز لحاظ می‌کنند که هر کودک توانایی ها و نقاط قوت خود را دارد و در این روش ها، کودکان اجازه می‌یابند تا مهارت های خود را بروز دهند.

دخیل کردن کودکان، خانواده ها، و افراد حرفه ای دیگر در طرح و بکارگیری رویه های ارزیابی مناسب و مرتبط، این امکان را فراهم می‌کند تا درک جدیدی (در کودک) شکل گیرد و اگر مربی فقط روی راهبرد ها و دیدگاه های خود تکیه کند این امر امکان پذیر نمی‌باشد. طرح رویه های ارزیابی که جامع بوده و کودکان و خانواده هایشان را لحاظ کنند، تنوع و گوناگونی را ارجح می‌نهند، به مربیان کمک می‌کنند تا درک بهتری از آنچه که مشاهده می‌کنند داشته باشند و یادگیری را هم در کودکان و هم در بزرگسالان تقویت می‌کنند.

ارزیابی که با همکاری خانواده ها صورت گرفته باشد می‌تواند به آنها کمک کند تا از یادگیری در کودک پشتیبانی کنند و آنها را قادر سازد تا در محیط آموزشی بعد از کودکی بتوانند عملکرد خوبی داشته باشند. وقتی کودکان در روند ارزیابی دخیل باشند می‌توانند درکی از خود بعنوان دانش آموز و از بهترین روش یادگیری مختص خود پیدا کنند.

هنگامیکه مربیان بر نقش خود در یادگیری و ارزیابی کودکان متمرکز شوند در واقع بر نظرات و ادراک خود از فرضیات، تحقیقات، و اقدامات در دوران کودکی متمرکز می‌شوند تا بتوانند به موارد زیر بپردازند:

- اقدامات و محیط های آموزشی و اینکه آنها چگونه با اهداف آموزشی مرتبط هستند
- میزان دانش و ارزیابی شان از معلومات فرهنگی مربوط به کودکان و آموزشی که در جامعه مورد فعالیت شان صورت می‌گیرد.

- یادگیری هر کودک در بافت خانواده اش، با توجه به دیدگاه ها، ادراک، تجارب، و توقعات خانواده ها
- فرصتهای یادگیری با توجه به آنچه که کودکان می دانند و می توانند در محیط آموزشی بکار گیرند
- شواهدی دال بر اینکه اقدامات آموزشی ارائه شده، تمامی کودکان تحت آموزش را در نظر گرفته و از لحاظ فرهنگی مناسب هستند.
- عدم فرضیه پردازی در مورد چگونگی یادگیری کودکان و یا پایین گرفتن سطح توقع نسبت به یادگیری برخی از کودکان بدلیل تبعیضات نابجا
- بکارگیری اقدامات آموزشی که دیدگاه های مختلف را در نظر بگیرد و به نفع کودکان و یادگیری موفق در آنها باشد
- اینکه اقدامات آموزشی به اندازه کافی برای همه کودکان چالش برانگیز باشند
- شواهدی مبنی بر اینکه کودکان در حال یادگیری هستند
- اینکه چگونه می توانند راههای ارزیابی را متنوع تر کنند تا اینکار بهتر و مفیدتر انجام شود.



اهداف آموزشی

اهداف یادگیری ذیل نشان می دهند که سه جزء چهارچوب آموزش چگونه عمل می کنند: اصول، اقدامات و اهداف آموزشی با هم ادغام می شوند تا به برنامه ریزی درسی و ارزیابی ها جهت بدهند تا یادگیری در کودکان ارتقاء یابد.

اجزاء اصلی یادگیری مربوط به هر هدف، بسط می یابند تا مواردی را در بر بگیرند که احتمال دارد مریبان آنها را هنگام یادگیری کودکان مشاهده کنند. نمونه اقدامات آموزشی برای ارتقاء یادگیری در کودکان نیز لحاظ شده است.

راههای دیگر زیادی وجود دارد که کودکان یادگیری خود را با توجه به آنها و اهداف آموزشی انجام می دهند. مریبان، یادگیری در کودکان را درک و با آن ارتباط برقرار کرده و ارتقاء می دهند. آنها با خانواده ها و افراد در جامعه محلی کودک صحبت می کنند تا تصمیماتی بگیرند که مرتبط با هر کودک و جامعه محلی وی باشد. بندهایی برای مریبان وجود دارد تا مثالهای خاصی از شواهد و اقداماتی را لیست کند که برای هر کودک از نظر فرهنگی و محیطی و نیز محیط آموزشی مناسب است.

نکاتی که در هر هدف تشریح شده است با همه کودکان از هر سنی ارتباط دارند. دانش تک تک کودکان، و نقاط قوت و توانایی های آنها، مریبان را برای گرفتن تصمیمات حرفه ای هدایت می کند تا اطمینان حاصل شود که کودکان یکسری اقدامات آموزشی را بکار گیرند که اهداف آموزشی در آنها لحاظ شود و یادگیری، بهینه باشد.

پنج هدف آموزشی طوری طراحی شده اند تا یادگیری یکپارچه و پیچیده در کودکان را لحاظ کرده و پیشرفت آنها از بدو تولد تا پنج سالگی را در نظر بگیرند. این اهداف موارد زیر هستند:

- کودکان حس هویتی قوی دارند
- کودکان با دنیای خود ارتباط داشته و در آن نقش آفرینی می کنند
- کودکان حس قوی خوشبختی دارند
- کودکان اعتماد به نفس دارند و در یادگیری مشارکت می کنند
- کودکان در ارتباط برقرار کردن، مهارت دارند.

اهداف، جامع و ملموس هستند. در آنها فرض بر این است که کودکان از طرق مختلف یادگیری خود را انجام می دهند و توانایی ها و ریتم یادگیری شان با هم فرق می کند. کودکان در طی زمان به ایده ها و اقدامات آموزشی پیچیده تر روی می آورند که قابل استفاده در محیط های دیگر است.

یادگیری در ارتباط با اهداف تحت تاثیر موارد زیر است:

- توانایی ها، استعدادها و موارد ترجیحی فعلی هر کودک
- اقدامات مریبان و محیط کودکستان
- ارتباط داشتن با خانواده و جامعه حال هر کودک
- یکپارچگی در یادگیری با توجه به همه اهداف

یادگیری در هر کودک مستمر است و هر کودک، به روش خود بسمت اهداف آموزشی پیش می رود و این روش ها همگی به یک اندازه با مفهوم هستند. یادگیری همواره قابل پیش بینی و خطی نیست. مریبان برنامه ریزی خود را با توجه به ویژگی های هر کودک و با در نظر گرفتن اهداف انجام می دهند.

هدف ۱: کودکان حس هویتی قوی دارند.

تعلق داشتن، بودن و شدن، بخش های لاینفک هویت هستند.

کودکان در مورد خود یاد می گیرند و هویت شان در بافت خانواده و جامعه شکل می گیرد. این شامل رابطه آنها با دیگران، مکان ها، اشیاء و کارها و واکنش های دیگران می شود. هویت تغییر می کند. هویت با تجربه کردن شکل می گیرد. وقتیکه کودکان تجربیات مثبتی داشته باشند، خود را مهم و قابل احترام می بینند و حس تعلق داشتن در آنها ایجاد می شود. روابط، پایه های هویت را می سازند- "من کیستم"، "تعلق داشتن من چگونه است" و "من روی چه چیز هایی تاثیرگذار هستم؟"

در محیط های کودکی، کودکان حس تعلق داشتن را زمانی پیدا می کنند که احساس کنند دیگران آنها را پذیرفته اند، با آنها ارتباط عاطفی برقرار کنند و به کسانی که به آنها اهمیت می دهند اطمینان پیدا کنند. در همان حال که حس هویتی در کودکان شکل می گیرد جنبه های مختلف آنرا (فیزیکی، احساسی، روحی، ذهنی) از طریق بازی کردن و رابطه با دیگران کنکاش می کنند.

وقتی کودکان احساس امنیت و حمایت از طرف دیگران کنند، اطمینان به نفس آنها برای کاوش و یادگیری بالا می رود.

مفهوم بودن، این نکته را به مریبان گوشزد می کند که بر کودکان در مکان و زمان حال تمرکز می کنند و اهمیت این مسئله که کودکان حق دارند کودکی کنند و لذت کودکی را تجربه کنند. بودن شامل رشد آگاهی در خصوص میراث فرهنگی و اجتماعی، جنسیت، و اهمیت کودکان در دنیای خود می باشد.

شدن شامل ساختن و شکل گیری هویت در کودکان از طریق تجربه کردن و روابطی است که شامل تغییر و گذار به مرحله دیگر می شود. کودکان همواره در خصوص تاثیر عقاید و ارزش های شخصی شان یاد می گیرند. نمایندگی کودکان را داشتن، و نیز راهنمایی، توجه، و آموزش آنها توسط خانواده و مریبان، تجربه های شدن در کودکان را شکل می دهد.



هدف ۱: کودکان حس هویتی قوی دارند

- کودکان احساس می کنند امنیت داشته و از سوی دیگران پشتیبانی می شوند.
- کودکان حس استقلال شخصی، رابطه با دیگران، انعطاف پذیری و نماینده دیگران بودن را در خود رشد می دهند.
- کودکان هویت آگاهانه و با اعتماد به نفس را در خود رشد می دهند
- کودکان یاد می گیرند تا با دیگران با توجه، همدلی، و احترام، تعامل داشته باشند.

کودکان احساس می کنند امنیت داشته و از سوی دیگران پشتیبانی می شوند.

بعنوان مثال، مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- درک و واکنش نشان دادن به ایماء و اشاراتی که کودکان از خود بروز می دهند
- واکنش نشان دادن به تلاش کودکان برای آغاز تعامل و گفتگو
- پشتیبانی از ارتباط عاطفی کودکان با برقراری ارتباط مستحکم و دوستانه
- پشتیبانی از کودکان هنگام تغییر و پر کردن شکاف بین موارد آشنا و ناآشنا
- استفاده از اقدامات و روش های پرورش کودکان برای یادگیری که از نظر فرهنگی با ارزش است
- از نظر احساسی به کودکان کمک می کنند و از ابراز عقیده و احساس آنها پشتیبانی می نمایند.
- درک می کنند که برطرف شدن احساس پریشانی، ترس، یا ناراحتی می تواند زمان بر باشد
- به منحصر به فرد بودن هر کودک در بکار گیری روش های مثبت اذعان کنند.
- برای تعامل و صحبت با هر کودک زمان صرف کنند.

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- ارتباط عاطفی ابتدا با یک مربی و بعد با مربیان آشنای دیگر برقرار کنند.
- از مسائل روزمره بطور موثر استفاده کنند تا گذار به مرحله بعد برایشان ب راحتی میسر گردد
- حس تعلق داشتن را احساس کرده و به آن واکنش نشان دهند
- نیاز های خود برای راحتی و کمک را با دیگران درمیان بگذارند
- رابطه محترمانه و با اعتماد به کودکان دیگر و مربیان ایجاد کرده و آنرا تداوم ببخشند
- احساسات و عقاید خود را در تعامل با دیگران ب راحتی بیان کنند
- به عقاید و نظرات دیگران واکنش نشان دهند
- تعامل و محاوره با مربیان قابل اطمینان خود برقرار کنند
- محیط های اجتماعی و فیزیکی را از طریق رابطه ها و بازی کردن کاوش نموده و با آنها ارتباط برقرار کنند.
- شروع بازی و ملحق شدن به آن
- کاوش جنبه های هویت از طریق نقش بازی کردن

مثال های خود را از محیطی که در آن هستید اضافه کنید:

هدف ۱: حس هویت در کودکان قوی است

کودکان حس استقلال شخصی، رابطه با دیگران، انعطاف پذیری و نماینده دیگران بودن را در خود رشد می دهند.

مثلاً مریان می تواند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- راهبردهایی در اختیار کودکان قرار دهند تا تصمیمات آگاهانه در خصوص رفتارهای خود بگیرند
- احساس تعلق، ارتباط با دیگران، و خوشبختی را در کودکان افزایش دهند
- توقع شان از توانایی های هر کودک بالا باشد
- به کودکان کمک کنند تا بتوانند حقوق خود در ارتباط با دیگران را با آنها در میان بگذارند
- فرصت هایی در اختیار کودکان قرار دهند تا بطور مستقل، تکالیف و بازی خود را انجام دهند
- خوشحالی خود از تلاش کودکان را نشان دهند، آنها را ترغیب کنند و اشتیاق خود در این زمینه را بروز دهند
- تلاش های کودکان را مورد حمایت خود قرار داده و بطور مناسب آنها را کمک و ترغیب نمایند
- به کودکان انگیزه داده و وقتی با چالش های جدید مواجه می شوند، آنها را ترغیب کنند تا بتوانند موفق شوند
- زمان و مکان در اختیار کودکان قرار دهند تا بتوانند اهداف شخصی و جمعی خود را پیگیری کنند
- در آموزش خود، فرهنگ جامعه محلی هر کودک را مد نظر قرار دهند
- کودکان را ترغیب کنند تا انتخاب و تصمیم گیری نمایند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- آگاهی روز افزون از نیازها و حقوق دیگران نشان دهند
- از چالش ها و کاوش های جدید استقبال کنند
- با دیگران همکاری و هماهنگی روزافزون داشته باشند
- در تصمیم گیری خود و مواجهه با آنچه انتظار آنها ندارند ریسک معقول داشته باشند
- موفقیت های خود و دیگران را تشخیص دهند.
- ظرفیت هماهنگ سازی خود با شرایط را بیشتر کنند
- با اعتماد به نفس با شرایط ایمن جدید برخورد کنند
- شروع به گفتگو با دیگران و سهم کردن آنها در کارها بنمایند.
- در مواجهه با چالش ها و نیز وقتیکه تلاش های اولیه موفقیت آمیز نباشد پایداری بخرج دهند.

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۱: حس هویت در کودکان قوی است

در کودکان هویت آگاهانه و همراه با اعتماد به نفس رشد می کند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- برای آنچه که هستند شناخته شده و به آنها احترام گذاشته شود
- هویت ها و نقطه نظرات متفاوت را در قالب نمایش کاوش نمایند
- جنبه های مختلف فرهنگ خود را با کودکان و مریبان دیگر در میان بگذارند
- از زبان مادری خود برای بازسازی معنا استفاده نمایند
- پایه های فرهنگ و زبان خود و جامعه محلی شان را مستحکم کنند و در خصوص هویت شان مسامحه نکنند
- میراث فرهنگی و اجتماعی خود را با برقراری ارتباط با افراد مسن و اعضای جامعه محلی خود رشد دهند
- برای راحتی خود، کمک گرفتن، و مصاحبت با دیگران ارتباط برقرار کرده و گفتگو نمایند
- کمک ها و موفقیت های خود را ارج نهاده و با دیگران سهیم شوند

مثلاً مریبان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- رشد احساس قوی هویتی در کودکان و ارتباط برقرار کردن آنها با دیگران- هویت مشتری بعنوان شهروندان استرالیا
- اطمینان از اینکه همه کودکان، غرور و اعتماد به نفس در موفقیت های خود را تجربه می کنند
- سهیم شدن موفقیت های کودکان با خانواده هایشان
- به تنوع و دگرگونی احترام گذاشته و به روش های مختلفی که کودکان، خانواده ها، جوامع محلی، و فرهنگ ها دارند اذعان کنند
- این مسئله را پذیرفته و درک کنند که کودکان، مفاهیم را بطرق مختلف برای خود بازسازی می کنند
- در برنامه ریزی برای آموزش کودکان، درک عمیقی از هر کودک، خانواده، و جامعه محلی اش داشته باشند.
- نمونه هایی از روش هایی که بوسیله آنها می توان فرهنگ و هویت های مختلف را شناخت در اختیار کودکان قرار دهند
- از روش هایی یادگیری که به فرهنگ (دانش آموز) بها می دهند استفاده کنند.
- بر دانش، زبان، و آگاهی کودکان تکیه کنند.
- با کودکان در مورد شباهت ها و تفاوت های افراد بطور محترمانه صحبت کنند
- منابع غنی و متنوعی ارائه کنند که دنیای اجتماعی کودکان را در خود منعکس کند
- درمورد فهم کودکان از خودشان، به آنها گوش کنند و آنها دریاپند
- بطور فعال از استفاده از زبان و فرهنگ مادری (توسط کودکان) حمایت کنند
- در کودکان، فهم درستی از خودشان ایجاد کنند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۱: حس هویت در کودکان قوی است

کودکان یاد می‌گیرند تا در ارتباط با دیگران، با دقت، همدلی، و احترام، تعامل داشته باشند

مثلاً مربیان می‌توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- تعامل نفر به نفر با کودکان، بخصوص کودکان خردسال، در خلال فعالیت‌های روزانه داشته باشند
- محیط‌های یادگیری را بطریقی سازماندهی کنند تا تعامل بین گروه‌های کوچک و بازی کردن بیشتر صورت گیرد
- توجه، همدلی، و احترام را برای کودکان، کارکنان، و خانواده‌ها مدل‌سازی کنند
- راهبردهای گفتگوی علنی را مدل‌سازی کنند تا کودکان را برای شروع تعامل و شرکت در بازی‌ها و تجربیات اجتماعی پشتیبانی کنند بطوریکه کودکان روابط سازنده با هم داشته باشند
- به روابط پیچیده کودکان اذعان کنند و با حساسیت خود را در آن دخالت ندهند بطوریکه دیدگاه‌های دیگر و شمول اجتماعی در آن ارتقاء یابد.

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- به کودکان دیگر علاقه نشان داده و بخشی از یک گروه شوند
- در بازی با دیگران مشارکت کرده و در آن نقش ایفاء کنند
- احساسات، افکار، و نظرات خود را بطور سازنده بیان کنند
- با دیگران همدردی کرده و نسبت به آنها توجه نشان دهند
- نسبت به دیدگاه‌های دیگران آگاهی یابند و به آن احترام بگذارند
- روی اعمال خود فکر کنند و پیامد آن برای دیگران را در نظر بگیرند

مثال‌های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

شمول:

در نظر گرفتن جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، و زبانی همه کودکان (شامل سبک‌های یادگیری، توانایی‌ها، ناتوانی‌ها، جنسیت، شرایط خانواده و موقعیت جغرافیایی) در روند برنامه ریزی درسی. هدف این است که اطمینان حاصل شود تجربیات همه کودکان در نظر گرفته شده و به آن بها داده می‌شود. همچنین هدف این است که همه کودکان به یک میزان به منابع دسترسی و مشارکت داشته باشند و برای نشان دادن میزان یادگیری شان به آنها فرصت داده شده و تفاوت‌ها (بین کودکان) با ارزش قلمداد شوند.

هدف ۲:

کودکان با دنیای خود ارتباط دارند و در آن مشارکت می‌کنند.

اقدامات برای برقراری رابطه و مشارکت در جامعه به حس تعلق، بودن، و شدن کودکان کمک می‌کند. کودکان از بدو تولد یاد می‌گیرند تا با دیگران در محیط‌های مختلف زندگی کرده و به آموزش و یادگیری بپردازند. این محیط‌ها شامل خانواده، جامعه محلی و محیط کودکستان می‌شود. داشتن حس مثبت در خصوص هویت خود و داشتن رابطه‌ای محترمانه و مسئولانه، علاقه و مهارت‌های آنها در بودن را تقویت کرده و موجب می‌شود تا انسان‌های فعالی در دنیای خود شوند. کودکان با پا گذاردن به محیط کودکستان، تجربیات خود بعنوان کسانیکه در روابط و محیط‌های مختلف شرکت می‌کنند را بسط می‌دهند.

با گذشت زمان، نوع و میزان پیچیدگی راه‌های برقراری ارتباط و مشارکت کودکان با دیگران تغییر می‌کند. کودکان با لبخند زدن، گریه کردن، تقلید کردن، و صدا از خود درآوردن، میزان علاقه‌شان به دیگران و همکاری با آنان را نشان می‌دهند. کودکان نوپا با کارهایی نظیر دادن عروسک خود به کودکی که بیقراری می‌کند یا با ابراز علاقه کردن نسبت به ورود کودک جدید به خانواده، با او ارتباط برقرار می‌کنند. کودکان با سن بیشتر دوست دارند بدانند دیگران در مورد آنها چگونه فکر می‌کنند و دوستی را چگونه درک می‌کنند. آنها کم‌کم درمی‌یابند که عملکرد و واکنش‌های آنها روی نحوه دید دیگران نسبت به آنها و میزان تعلق‌شان تاثیر می‌گذارد.

وقتی مریبان فضایی را ایجاد کنند که در آن کودکان رابطه‌ی دو طرفه‌ای را با دیگران تجربه کنند که لذت‌بخش و محترمانه باشد، کودکان نیز همین‌گونه عمل می‌کنند. وقتی کودکان در فعالیت‌های روزمره، وقایع و رویدادهای مختلف حضور داشته باشند و فرصت مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها به آنها داده شود، یاد می‌گیرند که مستقل زندگی کنند.

ارتباط داشتن و روش‌های مختلف ایجاد حس تعلق با دیگران، کشور، و جامعه، به کودکان کمک می‌کند تا راه‌های خود بودن را یاد بگیرند که این بازتاب ارزش‌ها، سنتها، و اقداماتی است که در خانواده و جامعه محلی‌شان در جریان است. با گذشت زمان، این نوع یادگیری، روش‌هایی که آنها با دیگران تعامل می‌کنند را تغییر می‌دهد.



هدف ۲: کودکان با دنیای خود ارتباط دارند و در آن مشارکت می کنند.

- کودکان حس تعلق به گروه و جامعه و درک حقوق و مسئولیت های دوجانبه که برای مشارکت فعال در جامعه به آن نیاز است را در خود شکل می دهند
- کودکان به تنوع و گوناگونی با احترام از خود واکنش نشان می دهند
- کودکان از عدالت و انصاف آگاهی می یابند
- کودکان از نظر اجتماعی مسئولیت پذیر می شوند و به محیط پیرامون خود با احترام برخورد می کنند

کودکان حس تعلق به گروه و جامعه و درک حقوق و مسئولیت های دوجانبه که برای مشارکت فعال در جامعه به آن نیاز است را در خود شکل می دهند

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- در محیط کودکانستان، حس تعلق به یک گروه را در آنها تقویت کنند
- بین محیط کودکانستان و جامعه محلی رابطه برقرار کنند
- به کودکان برای بررسی نظرات، مفاهیم پیچیده، و مسائل اخلاق که به زندگی آنها و جامعه محلی شان مربوط می شود فرصت بدهند
- زبانی که کودکان می توانند از آن برای بیان عقاید، نقش آفرینی، و همکاری برای نیل به هدف خود استفاده کنند را مدل سازی نمایند
- اطمینان پیدا کنند که کودکان، مهارت های لازم برای مشارکت در بازی ها و کارهای گروهی را در اختیار دارند
- برای مشارکت معنادار کودکان در بحث های گروهی و تصمیم گیری های مشترک در خصوص نقش ها و توقعات مربوطه فرصت سازی کنند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- این مسئله را تشخیص دهند که به بیش از یک گروه در جامعه خود تعلق دارند
- با دیگران همکاری کنند و نقش ها و رابطه هایشان را در قالب نمایش و تجربه های گروهی نشان دهند
- برای مشارکت کودکان دیگر در گروه های اجتماعی به آنها کمک کنند
- درک خود از جهانی که در آن زندگی می کنند را بیشتر کنند
- در مورد مسائلی که برایشان اهمیت دارد نظر خود را ابراز کنند
- از تجربیات اجتماعی خود برای کاوش راههای دیگر بودن استفاده کنند
- در رابطه های دوطرفه مشارکت نمایند
- بتدریج یاد بگیرند که رفتار دیگران را پیش بینی کنند و متناسب با آن واکنش نشان بدهند
- راههای مختلف کمک کردن را از طریق بازی و کارهای جمعی دریابند
- در محیط خود، احساس تعلق و راحت بودن را از خود نشان بدهند
- بازیگوشی کنند و با دیگران تعامل مثبت داشته باشند، و از همکاری و دوستی استقبال کنند
- برای تصمیم گیری بطور عادلانه در خصوص مسائلی که به آنها مربوط می شود مشارکت کنند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۲: کودکان با دنیای خود ارتباط برقرار کرده و در آن مشارکت می کنند

کودکان به تنوع و گوناگونی، با احترام واکنش نشان می دهند

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- روی واکنش های خود نسبت به تنوع و گوناگونی فکر کنند
- اقدامات خود را برنامه ریزی کنند و منابع در اختیار کودکان قرار دهند تا دیدشان وسیع شده و ترغیب شوند تا تنوع و گوناگونی را درک کنند
- کودکان را در معرض زبان و لهجه های مختلف قرار دهد تا تشویق شوند تنوع زبانی را درک کنند
- کودکان را تشویق کنند تا به دیگران گوش کنند و به دیدگاههای مختلف احترام بگذارند
- در رفتار خود و در صحبت هایشان با کودکان، رفتار مثبتی نسبت به تنوع و دگراندیشی داشته باشند
- با کودکان تعاملاتی داشته باشند که بدینوسیله احترام به دگراندیشی و ارزش ها تقویت یابد.
- فرهنگ، میراث، سوابق و سنت های هر کودک در بافت محیطی اش کنکاش شود
- نظر کودکان در خصوص تنوع و دگراندیشی را جویا شوند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- به دیگران توجه نشان بدهند
- تنوع فرهنگی، میراث، سابقه و سنت را مورد کاوش قرار دهند و این تنوع، برای داشتن انتخاب و درک جدید، فرصت در اختیار آنها قرار دهد
- از ارتباطات، شباهت ها، و تفاوت های بین افراد آگاهی یابند
- به عقاید دیگران گوش کنند و به روش های دیگر بودن و انجام یک کار با احترام برخورد کنند
- راههای دخالت دادن دیگران برای همزیستی را تمرین کنند
- به شباهت ها و تفاوت های بین افراد توجه کرده و بطور مثبت واکنش نشان بدهند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۲: کودکان با دنیای خود ارتباط برقرار کرده و در آن مشارکت می کنند

کودکان از مفهوم عدالت آگاه می شوند

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- به نگرانی های کودکان توجه و به آن گوش کنند و در مورد دیدگاه های مختلف مربوط به مسائلی نظیر شمول و عدم شمول و رفتارهای عادلانه و ناعادلانه بحث کنند
- با کودکان در مورد روابط محترمانه و عادلانه صحبت کنند نظیر زمانیکه یک کودک فقط خود از منابع موجود استفاده می کند
- با کودکان در خصوص راههایی که متون یکسری هویت های محدود را ساخته و کلیشه ها را تقویت می کنند بررسی و بحث نمایند
- توجه کودکان را به مسئله عدالت که در محیط کودکی و جامعه محلی شان با آن سروکار دارند جلب نمایند

بعنوان مثال این مسئله زمانی مشهود است که کودکان

- روابط بین دیگران را مشاهده و بررسی کنند
- از راههایی که دیگران خود را در محیط های اجتماعی و فیزیکی مطرح می کنند آگاهی یابند
- قدرت تشخیص ناعدالتی و تبعیض را پیدا کرده و بتوانند با محبت و مهربانی عمل کنند
- اجازه انتخاب کردن و حل مسئله را برای برآوردن نیازهای خود در محیط های خاص بیابند
- بطور منتقدانه در خصوص رفتارهای عادلانه و ناعادلانه فکر کنند
- راههایی را که متون از طریق آنها هویت ها را ساخته و کلیشه ها را خلق می کنند درک کنند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۲: کودکان با دنیای خود ارتباط برقرار کرده و در آن مشارکت می کنند

کودکان از نظر اجتماعی مسئولیت پذیر می شوند و به محیط پیرامون خود احترام قائل می شوند

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- دسترسی به یکسری از اشیاء طبیعی در محیط را برای کودکان میسر کنند
- احترام، توجه، و درک محیط طبیعی را مدل سازی کنند
- راههایی بیابند تا کودکان قادر شوند از محیط خود مراقبت کرده و از آن یاد بگیرند
- ماهیت ارتباط کودکان با محیط خود را لحاظ کرده و نسبت به رسوم محلی احترام قائل شوند
- اطلاعات در اختیار کودکان قرار دهند و دسترسی آنها به منابع مربوط به محیط و تاثیر فعالیت های انسان بر آن را فراهم کنند
- حفاظت(از محیط) را در اقدامات و فعالیت های روزانه بگنجانند
- بدنال نمونه های مرتبط با رابطه ها در محیط بگردند و در مورد راههایی که زندگی و سلامت موجودات زنده از طریق آنها بهم ارتباط دارند بحث کنند

بعنوان مثال این مسئله زمانی مشهود است که کودکان

- از بازی کردن برای بررسی، طرح ریزی، و کنکاش ایده های جدید بهره بگیرند
- با دیگران برای حل مسائل همکاری کرده و به پیشبرد اهداف گروهی کمک کنند
- دانش خود از محیط های طبیعی و غیر طبیعی را بالا برده و به آنها با احترام برخورد کنند
- کاوش، استنباط، پیش بینی، و فرضیه سازی کنند تا درک خود از رابطه بین زمین، انسان ها، گیاهان، و جانوران را افزایش دهند
- قدر محیط های طبیعی و غیر طبیعی را هر چه بیشتر دانسته و از آنها مراقبت کنند
- رابطه بین موجودات زنده و اشیاء را بررسی کرده و به تغییرات در آنها توجه و واکنش نشان دهند
- نسبت به تاثیر فعالیت انسان بر محیط و رابطه بین موجودات زنده آگاهی پیدا کنند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۳: کودکان حس قوی خوشبختی دارند

خوشبختی جنبه های فیزیکی و روانشناسی را در بر می گیرد و برای داشتن تعلق، بودن، و شدن ضروری است. بدون احساس خوشبختی، داشتن حس تعلق و اعتماد به دیگران مشکل است و نیز اعتماد به نفس برای بودن داشت و با خوش بینی مشغول فعالیت هایی شد که به شدن کمک می کند.

خوشبختی شامل داشتن سلامتی، احساس شاد بودن، رضایت و داشتن عملکرد اجتماعی موفق می شود. این مسئله بر رابطه کودکان در محیط خود تاثیر می گذارد. داشتن حس قوی خوشبختی، به کودکان اعتماد به نفس و مثبت اندیشی داده و یادگیری در آنها را به خداکتر می رساند. این حس، نیروی کاوش درونی در کودکان را فعال می کند که بنوعی احساس تمایل کودک برای تعامل با دیگران است.

خوشبختی با انعطاف پذیری ارتباط دارد و به کودکان امکان می دهد تا بتوانند با استرس و چالش های روزمره دست و پنجه نرم کنند. آمادگی برای استقامت بخرچ دادن زمانیکه با موقعیت های ناآشنا و چالش برانگیز یادگیری مواجه می شویم باعث ایجاد فرصت برای موفقیت و پیروزی می شود.

رشد فیزیکی و یادگیری در کودکان زمانی مشهود است که آنها از مرحله وابستگی فیزیکی در زمان تولد بسمت مرحله رشد سیستم حسی، حرکتی، و ذهنی برای داشتن کنترل روی فعالیت های فیزیکی بمنظور هدفی خاص یا صرفاً لذت بردن حرکت می کنند.

حس خوشبختی در کودکان می تواند تحت تاثیر تجربیات آنها در محیط کودکی و خارج از این محیط قرار گیرد. برای تقویت یادگیری در کودکان، ضروری است که مربیان به حس خوشبختی در آنها توجه کنند و اینکار را با داشتن رابطه گرم و اعتمادبرانگیز، در محیط هایی که امن و قابل پیش بینی هستند، تایید و احترام گذاشتن به همه جنبه های فیزیکی، احساسی، اجتماعی، ذهنی، زبانی، روحی و خلاقیت موجود در کودکان انجام دهند. با اذعان کردن به هویت فرهنگی و اجتماعی هر کودک، و واکنش نشان دادن به احساسات آنها، مربیان می توانند اعتماد به نفس در آنها ایجاد کنند که حس خوشبختی و علاقه مندی به یادگیری می باشد.

رشد انعطاف پذیری در کودکان و توانایی شان برای قبول مسئولیت بیشتر بمنظور کمک به خود و اقدامات اساسی برای حفظ سلامتی می تواند احساس استقلال و اعتماد به نفس را در کودکان افزایش دهد. آنها درحالیکه از سوی مربیان و دیگران مورد توجه قرار می گیرند، از اهمیت زندگی و یادگیری بدون کمک دیگران آگاهی می یابند.

یادگیری در خصوص سبک های زندگی سالم، شامل تغذیه، بهداشت فردی، ورزش کردن، و روابط احساسی و اجتماعی، بخشی از خوشبختی و اعتماد به نفس است. سلامت جسمی به توانایی کودکان برای داشتن تمرکز، همکاری، و یادگیری کمک می کند. با مستقل شدن بیشتر کودکان، آنها می توانند مسئولیت بیشتری برای سلامت، بهداشت و مراقبت شخصی خود بعهده بگیرند و بیشتر به ایمنی خود و دیگران توجه کنند. کارهای روزمره فرصت هایی به کودکان برای یادگیری در خصوص بهداشت و ایمنی خود می دهند. تغذیه مناسب برای داشتن زندگی سالم لازم است و کودکان را قادر می کند تا نقش خود را بطور فعال ایفاء کنند. محیط های کودکی فرصت های بسیاری به کودکان می دهد تا یکسری غذاهای سالم را تجربه کنند و از مربیان و کودکان دیگر در مورد غذاها یاد بگیرند. فعالیت های فیزیکی و توجه به مهارت های جزئی و کلی حرکتی، پایه ای برای کودکان می شود تا بر تجربه های خود بیافزایند و حس رضایت از استقلال عمل در انجام کارهای خود داشته باشند.



هدف ۳: کودکان حس قوی سلامتی و تندرستی دارند

- کودکان از نظر اجتماعی و احساسی، قوی می شوند
- کودکان بصورت روزافزون برای سلامتی خود مسئولیت پذیرتر می شوند

کودکان از نظر اجتماعی و احساسی، قوی می شوند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- اعتماد به خود و دیگران داشته باشند
- به دیگران در مواقع پریشانی، سردرگمی، و ناامیدی کمک کنند
- با دیگران شوخی کنند و خوشحالی و رضایتمندی خود را با آنها سهیم شوند
- بدنبال چالش های جدید بوده و از آن استقبال کنند، مسائل جدید را کشف کنند، و تلاش خود و موفقیت های دیگران را ارج نهند
- با دیگران همکاری و هماهنگی روزافزون داشته باشند
- از لحظات با خود بودن لذت ببرند
- به موفقیت های فردی خود توجه کنند
- انتخاب کنند، از چالش ها استقبال کنند، ریسک معقول داشته باشند، تغییرات را مدیریت کنند و از عهده مسائل غیر مترقبه و غیر منتظره برآیند
- ظرفیت خود برای درک، هماهنگی، و مدیریت احساسات شان را با در نظر گرفتن احساسات و نیازهای دیگران افزایش دهند
- موفقیت های شخصی در یادگیری را تجربه کرده و با دیگران سهیم شوند و برای یادگیری به زبان خود یا زبان انگلیسی استاندارد استرالیا فرصت های جدید خلق کنند
- نظر دیگران را قبول کرده و آنرا تصدیق کنند
- قابلیت ها و استقلال عمل خود را نشان دهند و در عین حال نسبت به نیازها و حقوق دیگران، آگاهی خود را بالا ببرند.
- نسبت به مشارکت خود در کارهای گروهی و فعالیت ها آگاهی داشته باشند

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- محبت، درک، و احترام به همه کودکان را از خود نشان دهند
- به کودکان کمک کنند تا موفقیت های خود را ثبت کرده و با خانواده خود در میان بگذارند
- مطمئن شوند که همه کودکان در تلاش ها و موفقیت های خود با غرور عمل می کنند
- احساس تعلق، ارتباط با دیگران، و خوشبختی را در کودکان افزایش دهند
- کودکان را به چالش کشیده و از آنها حمایت کنند تا در کارها و بازی ها مشارکت کنند و از خود پایداری نشان دهند
- به طرح ایده در کودکان کمک کرده و آنرا بسط دهند
- توقع شان از توانایی های هر کودک بالا باشد
- برای تصمیم گیری های شخصی کودکان ارزش قائل شوند
- از در میان گذاشتن اطلاعات مربوط فرهنگ و زندگی غیرمادی کودکان توسط آنها و خانواده هایشان استقبال کنند
- با کودکان در خصوص احساسات و واکنش هایشان به وقایع صحبت کنند و از درک آنها از تنظیم احساسات و کنترل خود پشتیبانی کنند
- تلاش و پیشرفت کودکان را تایید و حمایت کنند
- به کودکان کمک کنند تا بتوانند حقوق خود در ارتباط با دیگران را با آنها درمیان بگذارند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۳: کودکان حس قوی سلامتی و تندرستی دارند

کودکان بطور روزافزون در مورد بهداشت و سلامت خود مسئولیت پذیرتر می شوند

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- برنامه ریزی و مشارکت در فعالیت های فیزیکی سخت با کودکان، شامل رقص، نمایش، حرکات و بازی ها
- از تجربیات خانواده و جامعه استفاده کنند تا بازی های خانوادگی و فعالیت های فیزیکی را در بازی ها بگنجاند
- یکسری ابزار و اشیاء را در اختیار کودکان قرار دهند تا مهارت های حرکتی کلی و ظریف در آنها فعال شود
- بطور فعالانه از کودکان حمایت کنند تا اقدامات بهداشتی را یاد بگیرند
- سلامت و بهداشت فردی کودکان را با سهیم شدن آنها، خانواده هایشان و جامعه محلی شان در کارهای روزمره و برنامه ها ارتقاء دهند
- مسائل مربوط به سلامت و ایمنی را با کودکان در میان بگذارند و آنها را برای تهیه برنامه ای برای ایمن ساختن محیط برای همه مشارکت دهند
- کودکان را در فعالیت ها، محاورات، و کارهای روزمره ای که به ارتقاء زندگی سالم و تغذیه خوب می انجامد دخالت دهند
- ریتم فعالیت های هر روز را در بافت جامعه محلی در نظر بگیرند
- سلامت، تغذیه، و بهداشت فردی را با کودکان مدل سازی کرده و آنرا ارتقاء دهند
- فعالیت های سخت و آسان را در طی روز در برنامه بگنجاند و کودکان را کمک کنند تا تصمیمات درستی در خصوص مشارکت خود بگیرند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- نیازهای جسمانی خود را درک و با دیگران درمیان بگذارند (مثلاً تشنگی، گرسنگی، استراحت، راحتی بدنی، فعالیت فیزیکی)
- شاد، سلامت، و ایمن بوده و با دیگران ارتباط داشته باشند
- بطور روزافزون به مهارت های حسی-حرکتی و فعالیت پردازند
- حرکت های کلی و ظریف حرکتی را در هم ادغام کنند تا طرح های هر چه پیچیده تر حرکتی را انجام دهند، شامل رقصیدن، حرکت های خلاقانه، و نمایش بازی کردن
- قابلیت ها و استعداد های حسی خود را به همراه یکپارچگی در کار، مهارت و هدف بکار گیرند تا دنیای خود را کاوش و با آن ارتباط برقرار کنند
- آگاهی محیطی و جهت یابی خود را نشان داده و در محیط های مختلف با اعتماد به نفس و محتاطانه قدم بردارند
- با تجهیزات و وسائل با کارایی و مهارت روزافزون کار کنند
- به موسیقی، رقص و داستان سرایی سنتی و معاصر با انجام حرکت واکنش نشان دهند
- آگاهی روزافزونی از سبک زندگی سالم و تغذیه مناسب پیدا کنند
- استقلال و کارایی روزافزونی در امر سلامت شخصی، مراقبت و ایمنی خود و دیگران پیدا کنند
- برای شرکت در بازی های فیزیکی از خود اشتیاق نشان دهند و درمورد فضای بازی اقدامات لازم را انجام دهند تا از ایمنی و سلامت خود و دیگران اطمینان یابند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۴:

کودکان اعتماد به نفس دارند و در یادگیری مشارکت می کنند

احساس امنیت و سلامتی، اعتماد به نفس به کودکان می دهد تا ایده های جدید را تجربه و کاوش کرده و آنرا بیازمایند تا کارایی شان افزایش پیدا کند و در یادگیری، فعالانه مشارکت کنند. کودکان زمانی اعتماد به نفس پیدا می کنند و دانش آموزان فعالی می شوند که تجربیات و عقاید خانوادگی و اجتماعی آنان به رسمیت شناخته شده و در محیط های یادگیری لحاظ شوند. این به آنها کمک می کند تا با دیگران ارتباط برقرار کرده و کارهای جدید برایشان معنا داشته باشد.

کودکان در تمامی زمینه های مربوط به برنامه درسی شان از رویه خاصی پیروی می کنند نظیر کاوش کردن، همکاری، و حل مسئله. رشد استعدادها نظیر کنجکاوی، پایداری و خلاقیت، کودکان را قادر می کند تا در یادگیری مشارکت کرده و از آن بهره ببرند. دانش آموزان کارا همچنین می توانند آنچه را که یاد گرفته اند از یک محیط به محیط دیگر منتقل کرده و منابع یادگیری را تشخیص و بکار بگیرند.

در محیط یادگیری که اینکار با حمایت انجام گرفته و محیطی پویاست، کودکانی که اعتماد به نفس دارند و در یادگیری مشارکت می کنند، می توانند مسئولیت بیشتری برای یادگیری خود، ایجاد تغییر در خود، و مشارکت در محیط های اجتماعی بعهده بگیرند. ارتباط و تداوم در یادگیری در محیط های مختلف، اینکار را با معنادارتر کرده و حس تعلق در کودکان را افزایش می دهد.

کودکان با بررسی های فعالانه و تجربه کردن امور، درک از خود و دنیای شان را افزایش می دهند. در یک محیط پویا و حمایت کننده، کودکان ترغیب می شوند تا یادگیری خود را با تمرکز عمیق و توجه کامل به آنچه که به آن علاقه دارند انجام می دهند کودکان بودن خود را به محیط یادگیری شان منتقل می کنند. آنها راههای بسیاری برای دیدن دنیای خود و روش های مختلفی برای یادگیری داشته و سبک های یادگیری مختص خود را دارند.

مشارکت فعال در یادگیری، در کودکان درک از مفاهیم، تفکر خلاق، و روش های بررسی را به همراه می آورد که برای آموزش در زندگی خود به آن نیاز دارند. آنها می توانند تفکر خود و دیگران را به چالش کشیده و آنرا بسط دهند و آموزه های جدید را در تعاملات و گفتگوهای جمعی کسب کنند. مشارکت فعال کودکان، آنچه را که می دانند، می توانند انجام دهند، و برایشان ارزشمند است را دگرگون کرده و یادگیری شان را متحول می کند.

آگاهی مریبان از تک تک کودکان برای ایجاد محیط و تجربه هایی که یادگیری کودکان را به حداکثر برساند ضروری است.



هدف ۴: کودکان اعتماد به نفس دارند و در یادگیری مشارکت می کنند

- استعدادهایی در کودکان برای یادگیری رشد می کند نظیر کنجاوی، همکاری، اعتماد به نفس، خلاقیت، تعهد، شور و شوق، پایداری، و انعطاف پذیری
- یکسری مهارت ها و کارها بتدریج در کودکان شکل می گیرد نظیر حل مسئله، بررسی، تجربه کردن، فرضیه سازی، تحقیق، و کنکاش
- کودکان آنچه را که یاد گرفته اند را به محیط جدید انتقال داده و با آن هماهنگ می کنند
- کودکان، یادگیری خود را از طریق ارتباط با دیگران، مکان ها، فن آوری ها، و اشیاء طبیعی و مصنوعی انجام می دهند

استعدادهایی در کودکان برای یادگیری رشد می کند نظیر کنجاوی، همکاری، اعتماد به نفس، خلاقیت، تعهد، شور و شوق، پایداری، و انعطاف پذیری

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- مشارکت کودکان در یادگیری را به رسمیت شناخته و ارج نهند
- محیط های یادگیری که در آن یادگیری انعطاف پذیر و با تنوع همراه است را مهیا کنند
- به استعدادهای یادگیری در کودکان با دادن نظر خود، تشویق کردن و دادن ایده های دیگر به آنها، واکنش نشان دهند
- کودکان را تشویق کنند تا به یادگیری انفرادی و کاوش های جمعی بپردازند
- به نظرات کودکان بدقت گوش می کنند و با آنها در خصوص چگونگی بکار گیری این نظرات بحث کنند
- فرصت هایی را در اختیار کودکان قرار دهند تا نظرات خود را مرور کرده و تفکر خود را رشد دهند
- رویه های بررسی، نظیر شگفتی، کنجاوی، و تصور کردن را مدل ساری کنند، نظرات جدید را بیازمایند و از چالش ها استقبال کنند
- با کودکان در مورد آنچه که یادگرفته اند و نحوه یادگیری شان بحث کنند
- از دانش، زبان، و درک کودکان در محیط یادگیری استفاده کرده و از آن بهره ببرند
- تنوع فرهنگی و هویت های اجتماعی را کاوش کنند
- در کودکان، حس قوی هویتی و ارتباط شان با دیگران-هویت مشترک استرالیایی بودن- را تقویت کنند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- تعجب و علاقه خود را در محیطی که در آن هستند ابراز می کنند
- در یادگیری شان، کنجاوی و علاقه مند می باشند
- از بازی برای بررسی، تصور کردن، و کنکاش ایده ها بهره می گیرند
- مسائل مورد علاقه خود را با جدیت، انرژی، و تمرکز پیگیری کرده و بسط می دهند
- بازی هایی که در ذهن شان خلق شده است را شروع می کنند
- در یکسری تجربیات که غنی هستند و بر پایه کنجاوی معنادار شکل گرفته اند مشارکت می کنند
- پایداری بخرج می دهند و لذت رسیدن به هدف را می چشند
- حتی در صورتیکه کاری مشکل باشد از خود سماجت بخرج می دهند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۴: کودکان اعتماد به نفس دارند و در یادگیری مشارکت می کنند

یکسری مهارت ها و کارها بتدریج در کودکان شکل می گیرد نظیر حل مسئله، بررسی، تجربه کردن، فرضیه سازی، تحقیق، و کنکاش

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- از طیف گسترده ای از راهبردهای فکری در موقعیت های مختلف و حل مسئله استفاده کنند و این راهبردها را با موقعیت های جدید هماهنگ کنند.
- از نمودارها برای سازماندهی، ثبت، و انتقال ایده ها و مفاهیم ریاضی استفاده کنند
- در مورد فعالیت های روزانه شان، جنبه های دنیای بیرونی، با استفاده از طرح هایی که خود خلق کرده اند پیش بینی کرده و آنرا تعمیم دهند یا آنها را با استفاده از زبان و علائم ریاضی شناسایی و انتقال دهند.
- محیط خود را کاوش کنند
- اشیاء را بررسی کنند و علت و اثر و نیز آزمون و خطا را تجربه کنند
- در مباحث ریاضی حضور فعال داشته باشند
- از تفکر و غور کردن برای یافتن دلیل اتفاقات استفاده کنند و اینکه از آنها چه می توان آموخت

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- محیط های آموزشی را که سطح چالش مناسبی دارند برنامه ریزی کنند تا کودکان ترغیب شوند کاوش، تجربه کردن، و ریسک پذیری در آموزش داشته باشند.
- آموزه های ریاضی هر کودک را شناسایی کرده و از آنها طوری استفاده کنند که مناسب وی باشد.
- منابعی در اختیار کودکان نوپا قرار دهند که برایشان چالش برانگیز، جذاب، و همراه با شگفتی باشد، از بررسی های آنها پشتیبانی کنند و در لذت بردن آنها سهیم شوند
- از کودکان کارهایی بخواهند که آنها را ترغیب کند مسائل را بررسی و حل نمایند
- کودکان را ترغیب کنند تا از زبان خود برای توصیف و تشریح نظرات شان استفاده کنند
- فرصت برای انجام کارهایی در اختیارشان قرار دهند که بررسی نظرات، مفاهیم پیچیده، استدلال، و فرضیه سازی را در آنها تقویت می کند.
- کودکان را ترغیب کنند تا نظرات و فرضیات خود را با دیگران سهیم شوند
- زبان ریاضی و علمی و زبان مرتبط با هنر را مدل سازی کنند
- در بازی کودکان شرکت کنند و استدلال، پیش بینی کردن، و تعمق را مدل سازی کنند
- بطور عامدانه نحوه ادارک و فهمیدن در کودکان را بازسازی کنند
- به تلاش کودکان برای فرضیه سازی و بسط قوه فکری خود از طریق محاوره و سوال و جواب با دقت توجه کنند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۴: کودکان اعتماد به نفس دارند و در یادگیری مشارکت می کنند

کودکان آنچه را که در یک محیط یاد گرفته اند را به محیط جدید انتقال داده و با آن هماهنگ می کنند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- درگیر یادگیری شده و با دیگران اینکار را انجام می دهند
- این توانایی را در خود ایجاد می کنند که اعمال دیگران را، در همان لحظه یا بعداً، تقلید، تکرار، و تمرین کنند
- بین کارها، مفاهیم، و رویه ها ارتباط برقرار می کنند
- از بازی کردن، تفکر، و بررسی برای حل مشکلات استفاده می کنند
- مسائل را از یک موقعیت به موقعیت دیگر تعمیم و بسط دهند
- راهبردهایی که برای حل یک مسئله در یک محیط موثر واقع شده است را در محیط جدید می آزمایند
- دانش خود در یک محیط را به محیط دیگر انتقال داده و آنرا و بکار می گیرند

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- از اینکه کودکان آموزه های خود را با راهکارهای های جدید بکار بگیرند استقبال کرده و با آنها بطریقی صحبت کنند که درک شان را افزایش دهند
- کودکان را پشتیبانی می کنند تا چند راه حل برای مشکلات پیدا کنند و از روش های مختلف فکری استفاده نمایند
- توجه کودکان را به طرح ها و روابط در محیط و در یادگیری شان جلب نمایند
- زمان و مکانی را برای اینکه کودکان در مورد نحوه یادگیری خود فکر کنند اختصاص دهند و به شباهت ها و ارتباط هایی که بین نحوه یادگیری فعلی و یادگیری جدید آنان وجود دارد توجه کنند
- با تبادل اطلاعات با خانواده ها و افراد حرفه ای در محیط های یادگیری دیگر، از دانش خود در خصوص نحوه یادگیری کودکان در یک محیط استفاده کرده و آنرا در محیط دیگر بکار گرفته و در اختیار دیگران نیز قرار دهند
- کودکان را ترغیب کنند تا نظرات و فهم خود(از مسائل) را با دیگران در میان بگذارند
- درک کنند که کارایی به زبان، لهجه، یا فرهنگ خاصی محدود نمی شود

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۴: کودکان اعتماد به نفس دارند و در یادگیری مشارکت می کنند

کودکان یادگیری خود را از طریق برقراری ارتباط با افراد، مکان ها، فن آوری ها، و اشیاء طبیعی و مصنوعی انجام می دهند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- هنگام یادگیری، ارتباط برقرار می کنند
- از حس خود برای کاوش محیط های طبیعی و مصنوعی استفاده می کنند
- مزایا و لذت یادگیری با مشارکت دیگران را تجربه می کنند
- هدف و عملکرد یکسری اسباب، رسانه ها، صداها، و تصاویر را بررسی می کنند
- از منابع موجود برای بررسی، مشارکت، طرح، اختراع، و بازسازی استفاده می کنند
- فن آوری های مختلف را تجربه می کنند
- از فن آوری های اطلاعاتی و مخابراتی برای بررسی و حل مسائل استفاده می کنند
- نظرات و فرضیه ها را با تصور کردن، خلاقیت، و بازی، کاوش کنند
- از بازخورد خود و دیگران برای بررسی مجدد و طرح یک ایده استفاده می کنند

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- به کودکان فرصت بدهند و آنها را حمایت کنند تا در روابط یادگیری معنادار شرکت کنند
- کارهای تجربی حسی و اکتشافی با استفاده از اشیاء طبیعی و مصنوعی را (برای کودکان) انجام دهند
- کارهایی بر پایه تجربه که کودکان را در محیط و جامعه فراتر از محیط های کودکستانی به خود مشغول می کند به آنها محول کنند
- دقت کنند که کودکان چگونه برای بازی، گروه تشکیل می دهند و امکان تشکیل همتا ها را در نظر بگیرند
- ابزار، فن آوری ها، و رسانه های مناسب را معرفی کنند و مهارت ها، دانش، و فنون را در اختیار کودکان قرار دهند تا یادگیری در آنها بهتر صورت گیرد
- فرصت هایی را در اختیار کودکان بگذارند تا بعنوان یک راهبرد یادگیری، اجزاء اشیاء را از هم جدا کنند و یا در کنار هم قرار دهند
- اعتماد به نفس کودکان را با فن آوری هایی که در محیط یادگیری در اختیارشان است بیشتر کنند
- منابعی را در اختیار کودکان قرار دهند تا بتوانند فکر خود را بکار گیرند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۵: کودکان، مکالمه کنندگان ماهری هستند

انجام مکالمه برای تعلق داشتن، بودن، و شدن لازم است کودکان از بدو تولد از طریق ایماء و اشاره، صدا، زبان و گفتگو، و با کمک دیگران ارتباط برقرار می کنند. کودکان، موجودات اجتماعی هستند که بطور ذاتی علاقه دارند تا نظرات، افکار، سوالات و احساسات خود را با دیگران در میان بگذارند و از یکسری ابزار و رسانه، نظیر موسیقی، رقص، و نمایش برای بیان عقاید خود و ارتباط با دیگران و پیشبرد یادگیری استفاده کنند.

استفاده کودکان از زبان مادری خود، بیانگر هویت و رشد فکری شان می باشد. کودکان زمانی احساس تعلق می کنند که به زبان، روش های تعامل و ارتباط شان با دیگران، احترام گذاشته شود. آنها حق دارند تا به استفاده از زبان مادری خود و نیز به بهبود زبان انگلیسی استاندارد استرالیایی در خود ادامه دهند.

توانایی های ادبی و محاسباتی، بخش مهمی از ارتباط را تشکیل می دهند و برای یادگیری موفقیت آمیز دروس حیاتی می باشد.

توانایی ادبی، توانایی، اعتماد به نفس، و استعداد استفاده از زبان در همه اشکال آن است. محاسبات، یکسری از حالات ارتباطی نظیر موسیقی، حرکات، رقص، داستان سرایی، هنرهای بصری، رسانه ها و نمایش، و نیز صحبت کردن، گوش دادن، دیدن، خواندن، و نوشتن را در بر می گیرد. متون معاصر، شامل رسانه های الکترونیکی و چاپی می باشد. در دنیایی که فن آوری بطور روزافزون استفاده می شود، توانایی بررسی دقیق، یکی از اجزاء اصلی محاسبات می باشد. کودکان از فرصت کاوش دنیای خود با استفاده از فن آوری و کسب اعتماد به نفس در استفاده از رسانه های دیجیتال، نفع می برند.

محاسبات، توانایی، اعتماد به نفس، و استعداد استفاده از ریاضیات در زندگی روزمره است. درک کودکان از ریاضیات جدید از طریق حل مسئله امکان پذیر می باشد. ضروری است که ایده های ریاضی که کودکان با آن سروکار دارند، مرتبط، و در زندگی فعلی شان معنا داشته باشد. مریبان به فرهنگ لغات غنی ریاضی نیاز دارند تا ایده های ریاضی را بدرستی به کودکان یاد دهند و رشد محاسباتی در آنها را پشتیبانی نمایند. قدرت تشخیص مکانی، ساختار و طرح، ارقام، اندازه گیری، مباحثات داده ها، ارتباطات و کاوش دنیای اطراف بصورت ریاضی، ایده های قوی ریاضی هستند که کودکان برای داشتن ریاضیات قوی به آنها نیاز دارند.

تجربه های دوران کودکی بر پایه تجربه های زبانی، ادبی و محاسباتی است که کودکان در محیط خانواده و جامعه آنها درک می کنند.

نگرش و مهارت های مثبت در ادبیات و محاسبات، برای یادگیری موفق کودکان لازم اند. پایه این مهارت ها در کودکی گذاشته می شود.



هدف ۵: کودکان، مکالمه کنندگان ماهری هستند

- کودکان به دلایل گوناگون با دیگران بصورت کلامی و غیر کلامی تعامل دارند
- کودکان متون مختلفی را مطالعه کرده و از آنها، مفاهیم را می آموزند
- کودکان با استفاده از ابزار ارتباطی گوناگون، عقاید خود را مطرح کرده و مفهوم سازی می کنند
- کودکان فرا می گیرند که سیستم های علائم و طرح ها چگونه عمل می کنند
- کودکان از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای دستیابی به اطلاعات، بررسی مفاهیم و بیان عقاید خود بهره می گیرند

متون:

چیزهایی که می خوانیم، مشاهده می کنیم، به آن گوش می کنیم و خلق می کنیم تا با دیگران ارتباط برقرار کنیم. متون، بصورت پرینت شده هستند مثل کتاب، مجله، و پوستر، یا الکترونیکی هستند مثل صفحات اینترنت و دی وی دی بسیاری از متون چند حالتی هستند مثل عکس ها ی یکپارچه، کلمات و/آواهای نوشته شده.

هماهنگی:

"هماهنگی، در یک مسیر قرار گرفتن حالتهای ذهنی در زمانی است که فرد به کاری مشغول است و در حین آن، حالت ذهنی با تغییر چهره، صدا، اشارات بدنی، و تماس چشمی به فرد دیگر انتقال می یابد." (Siegel, 1999)

هدف ۵: کودکان، برقرار کنندگان ماهر ارتباط هستند

کودکان با دیگران بصورت لفظی و غیر لفظی و برای اهداف مختلفی تعامل می کنند

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- همانطور که کودکان از خود صدا در می آورند، تعامل لذت بخشی با آنها داشته باشند
- خود را با تلاش کودکان برای برقراری ارتباط هماهنگ کرده و با حساسیت به آن واکنش نشان دهند
- به شباهت لغات مورد استفاده کودکان توجه کرده و به آن واکنش نشان دهند
- به میراث زبانی کودکان ارزش قائل شوند و با همراهی خانواده و اعضای جامعه، کودکان را ترغیب کنند تا زبان مادری و زبان انگلیسی استاندارد در استرالیا را یاد گرفته و از آن استفاده کنند
- این امر را در نظر بگیرند که کودکان در حالی وارد کودکستان می شوند که صحبت کردن را یاد گرفته اند و سعی کنند تا کارهایی که آنها در خانه و جامعه انجام می دهند را درک کنند
- زبان کودکان را مدل سازی کنند و از آنها بخواهند تا نظرات شان را به زبان خود در محیط ها و با اهداف مختلف بیان کنند.
- با کودکان در خصوص نظرات و کارهایشان وارد گفتگو شوند و لغات جدید به آنها بیاموزند
- از منابع واقعی برای ارتقاء زبان ریاضی در کودکان استفاده کنند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- وارد تعامل لذت بخش با دیگران بصورت لفظی و غیر لفظی می شوند
- پیام ها را با هدف و اعتماد به نفس و بر پایه ادبیات مورد استفاده در خانه و جامعه محلی خود تنظیم کرده و به دیگران منتقل می کنند
- بصورت لفظی و غیر لفظی به آنچه دیگران می بینند، می شنوند، لمس می کنند و می چشند واکنش نشان می دهند
- از زبان و حالت های نمایشی، موسیقی، و هنر برای انتقال معنا استفاده می کنند
- ایده ها و تجربیات خود را در نمایش، و بحث های گروهی کوچک و بزرگ ارائه می کنند
- به اشارات فرهنگی حین صحبت دیگران توجه می کنند تا آنچه گفته می شود را درک کنند
- مکالمه کنندگان مستقلی هستند که از زبان انگلیسی استاندارد در استرالیا و زبان مادری خود استفاده می کنند و توانایی برآوردن نیازهای مخاطب خود را دارند
- با دیگران تعامل می کنند تا ایده ها و مفاهیم را کاوش کنند، افکار را مشخص و به چالش بکشند، در مورد درک مفاهیم جدید، بحث کرده و آنرا در اختیار دیگران بگذارند.
- پیام ها را با هدف مشخص و با اعتماد به نفس ساخته و انتقال می دهند و از ادبیات مورد استفاده در خانه و جامعه برای اینکار بهره می برند.
- ایده ها، احساسات، و درک خود (از مسائل) را با زبان و حالت های نمایشی با دیگران در میان می گذارند
- درک خود را از اندازه ها و اعداد با استفاده از لغات بطور روز افزون بالا می برند تا بتوانند اندازه، طول، حجم، و نام اعداد را بیان کنند.
- ایده ها و احساسات را بیان کرده و به دیدگاه های دیگران احترام می گذارند
- از زبان برای بیان افکار خود در خصوص اندازه ها استفاده می کنند تا ویژگی های اشیاء را توصیف کرده و ایده های ریاضی را تشریح نمایند
- با استفاده از حداقل یک زبان، بطور روز افزون دانش، درک، و مهارت خود در انتقال مفاهیم را بیشتر می کنند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۵: کودکان، برقرار کنندگان ماهر ارتباط هستند

کودکان متون مختلفی را مطالعه کرده و از آنها مفاهیم را می آموزند

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- یکسری کتاب و متون دیگر را مطالعه کرده و در اختیار کودکان قرار دهند
- فضای غنی ادبی، شامل متون چاپی و عکسدار را به زبان مادری کودکان و زبان استاندارد انگلیسی استرالیایی در اختیار کودکان قرار می دهند
- نواها، آهنگ ها، و سرودها را می خوانند
- کودکان را به بازی با لغات و آواها مشغول می کنند
- هنگام کار با کودکان روی متون مختلف، صریحاً در خصوص مفاهیمی نظیر آواها، حروف، و صداها با آنها صحبت می کنند
- متون آشنای خانوادگی و اجتماعی را در آموزش خود می گنجاندند و داستان سرایی می کنند
- به بازی کودکان ملحق می شوند و با آنها در خصوص معنای تصاویر و نوشته ها صحبت می کنند
- با کودکان وارد بحث در خصوص کتاب ها و متون دیگر می شوند تا آنها با دیدگاه های مختلف آشنا شوند
- کودکان را حمایت می کنند تا روش های ساختاربندی متون برای ارائه نظرات بخصوص و متقاعد کردن افراد را بررسی کنند
- هنر را بعنوان یک زبان تدریس می کنند و اینکه هنرمند چگونه از اجزاء و اصول استفاده می کند تا متون بصری/موسیقیایی/رقص/رسانه ای را بازسازی کند
- فرصت در اختیار کودکان قرار می دهند تا متون آشنا و ناآشنای فرهنگی را مطالعه کنند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- به آواها و طرح ها در صحبت، داستان ها، و نواها در محیط گوش کرده و به آنها عکس العمل نشان می دهند.
- به متون چاپ شده، بصری، و رسانه ای گوش کرده و یا تماشا می کنند و به آن با ایماء و اشاره، عمل، نظر دادن، و/یا سوال کردن واکنش نشان می دهند
- نواها، آهنگ ها، و سرودها را می خوانند
- در بازی های خود، نقش ادبا و ریاضی دانان را ایفاء می کنند
- به یادگیری مفاهیم و رویه های ادبی و ریاضی می پردازند نظیر آواهای زبانی، رابطه حرف-آوا، مفاهیم نوشتاری و ساختاربندی متون
- متون را از دیدگاههای مختلف کاوش کرده و مفاهیم آنها را بررسی می کنند
- از استفاده از زبان و متون به انحاء مختلف لذت می برند و آنها را با دیگران سهیم می شوند
- متون فرهنگی نوشتاری و شفاهی را درک کرده و با آن خود را مشغول می کنند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

ادبیات:

در سالهای اولیه آموزش، ادبیات یکسری ابزار محاوره را در بر میگیرد نظیر موسیقی، رقص، داستان سرایی، هنرهای بصری، رسانه ها، و نمایش و نیز صحبت کردن، خواندن، و نوشتن.

هدف ۵: کودکان، برقرار کنندگان ماهر ارتباط هستند

کودکان از یکسری ابزار برای بیان عقاید خود و معناپردازی استفاده می کنند

مثلاً مریبان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- بر تجربه های کودکان از محیط خانواده و جامعه با استفاده از هنرهای بیانی بیافزایند
- یکسری منابع را در اختیار کودکان قرار دهند تا بتوانند مفاهیم را با استفاده از هنرهای بصری، رقص، نمایش، و موسیقی بیان کنند
- پرسش و پاسخ در حین خواندن و بحث در مورد کتاب ها و متون دیگر انجام دهند
- منابعی را در اختیار کودکان گذارند تا تصاویر و متون چاپی را بیازمایند
- مهارت ها و فنونی را به کودکان آموزش دهند که ظرفیت آنها برای بیان افکار خود و برقراری ارتباط با دیگران را افزایش دهد
- به بازی کودکان ملحق شده و با آنها اشیائی نظیر علائم را بسازند که بازی آنها را بسط داده و یادگیری خواندن و نوشتن را در آنها بهبود بخشد
- به تصویرسازی و علائمی که کودکان از خود بروز می دهند واکنش نشان دهند، در مورد اجزاء، اصول، مهارت ها، و فنونی صحبت کنند که کودکان از آنها برای انتقال مفاهیم استفاده می کنند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- از زبان و بازی کردن برای تصویر سازی، خلق نقش ها، و ایده پردازی استفاده می کنند
- داستان ها و سمبل های فرهنگ خود را با دیگران سهیم شده و داستان های معروف را دوباره بازآفرینی می کنند
- از هنرهای خلاقانه نظیر طراحی، نقاشی، مجسمه سازی، نمایش، رقص، حرکات، موسیقی، و داستان سرایی برای بیان عقاید خود و انتقال معنا استفاده می کنند.
- روش های بیان عقاید و مفاهیم را با استفاده از یکسری ابزار رسانه ای تجربه می کنند
- شروع به استفاده از، تصاویر، حروف و واژه ها برای انتقال مفاهیم می کنند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

هدف ۵: کودکان، برقرار کنندگان ماهر ارتباط هستند

کودکان بتدریج در می یابند که سیستم علائم و طرح ها چگونه عمل می کنند

مثلاً مربیان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- توجه کودکان را به علائم و طرح ها در محیط خود جلب کنند و در مورد طرح ها و رابطه ها، شامل رابطه بین حروف و آواها، صحبت کنند
- دسترسی کودکان به اشیاء گوناگون را مهیا کنند تا بتوانند از آنها برای خلق طرح ها، طبقه بندی کردن، نظم دادن، و مقایسه کردن استفاده کنند
- با کودکان وارد بحث در مورد سیستم علائم شوند مثلاً حروف، اعداد، زمان، پول، و علائم موسیقی
- کودکان را ترغیب کنند تا سیستم علائم خود را ایجاد کنند و به آنها فرصت دهند تا سیستم های علائم بر پایه فرهنگ را کاوش کنند.

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- از علائم در بازی خود برای ارائه معنا و مفهوم سازی استفاده می کنند
- ارتباط و طرح خاصی را بین احساسات، عقاید، واژه ها، و اعمال خود و دیگران مشاهده می کنند
- به چگونگی کارهای روزانه معمول و گذشت زمان توجه کرده و آنرا پیش بینی می کنند
- این درک را در خود ایجاد کنند که علائم، ابزار قدرتمندی برای برقراری ارتباط هستند و اینکه ایده ها، افکار، و مفاهیم را می توان از طریق آن بیان کرد
- از رابطه بین نمایه های شفاهی، کتبی، و بصری آگاهی داشته باشند
- طرح ها و رابطه ها و ارتباط بین آنها را تشخیص دهند
- وقایع و ویژگی های وسایل و اشیاء را در دنیای اجتماعی و طبیعی شان دسته بندی کرده، نظم داده، و مقایسه کنند
- به آواها و طرح ها در گفتگوها، داستان ها، و اشعار گوش کرده و به آن عکس العمل نشان دهند
- از حافظه ترتیبی برای تکمیل کردن کار استفاده کنند
- از تجربه خود برای ساختن مفاهیم با استفاده از علائم استفاده کنند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

محاسبات:

بطور کلی شامل درک اعداد، طرح ها، اندازه ها، آگاهی محیطی، داده ها، و نیز داشتن تفکر ریاضی، استدلال، و حسابداری می شود.

هدف ۵: کودکان، برقرار کنندگان ماهر ارتباط هستند

کودکان از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای دسترسی به اطلاعات، بررسی ایده ها، و ارائه تفکرات خود استفاده می کنند

مثلاً مریبان می توانند این گونه یادگیری را با موارد زیر ارتقاء دهند:

- یکسری فن آوری ها را در اختیار کودکان قرار دهند
- از فن آوری ها در بازی ها و کارهای گروهی کودکان استفاده کنند
- مهارت ها و تکنیک ها را به آنها یاد داده و ترغیب کنند تا از فن آوری ها برای دستیابی به اطلاعات و ارائه نظرات خود استفاده کنند
- کودکان و مریبان دیگر را ترغیب کنند تا با استفاده از فن آوری ها یادگیری جمعی داشته باشند

بعنوان مثال، این مسئله زمانی مشهود است که کودکان:

- کاربردهای فن آوری ها در زندگی روزمره را تشخیص دهند و از فن آوری های واقعی و تخیلی بعنوان ابزار نمایش خود استفاده نمایند
- از فن آوری های اطلاعات و ارتباطات برای دسترسی به تصاویر و اطلاعات، بررسی دیدگاه های مختلف، و درک دنیای خود استفاده کنند
- از فن آوری های اطلاعات و ارتباطات بعنوان ابزاری برای طراحی، ترسیم، ویرایش، تامل، و انشاء استفاده کنند
- از فن آوری بعنوان تفریح و یافتن دلایل استفاده کنند

مثال های خود از محیطی که در آن هستید را اضافه کنید:

فهرست اصطلاحات

محیط های اوایل کودکی: مراکز مراقبت از کودک و خانواده، خدمات چند منظوره کودکان بومی، پیش دبستانی و مهد، محل های بازی کودکان، مراکز مراقبت موقت از کودکان، محیط های مداخله زودهنگام، و خدمات مشابه.

مربیان: معلمان کودکان خردسالی که با کودکان در محیط های مربوطه مستقیماً کار می کنند.

شمول: در نظر گرفتن تنوع اجتماعی، فرهنگی، و زبانی همه کودکان (شامل سبک های یادگیری، توانایی ها، ناتوانی ها، جنسیت، شرایط خانوادگی، و موقعیت جغرافیایی) در روند تصمیم گیری برای برنامه های آموزشی. هدف این است که اطمینان حاصل شود تجربیات همه کودکان در نظر گرفته شده و به آن بها داده می شود. همچنین هدف این است که همه کودکان به یک میزان به منابع دسترسی و مشارکت داشته باشند و برای نشان دادن میزان یادگیری شان به آنها فرصت داده شده و تفاوت ها با ارزش قلمداد شوند.

تدریس هدفمند: آگاهی، هدف، و فکر کردن مربیان هنگام تصمیم گیری و عمل می باشد تدریس هدفمند نقطه مقابل تدریس از روی عادت یا ادامه رویه سنتی است فقط به این خاطر که روال کار قبلاً اینطور بوده است.

مشارکت: حالت فعالیت شدید ذهنی و توجه کردن است و تمرکز و انگیزه درونی از ویژگی های آن می باشد. کودکان (و بزرگسالان) که بیشترین ظرفیت و توانایی خود را بکار می گیرند و این به تغییر روش واکنش و ادراک آنها منجر شده و یادگیری عمیق تری را به همراه می آورد (اقتباس شده از Laevers, 1994).

مشارکت کودکان با توجه به حالت چهره، صدا، و احساسات، انرژی، توجه، و علاقه ای مشخص می شود که بکار می گیرند و نیز خلاقیت و پیچیدگی که در هر موقعیت از خود نشان می دهند. (Laevers) حالت جریان Csikszentmihalyi ذکر شده در تفکر، احترام، ارتباط (DECS 2008).

محیط یادگیری پویا: محیط یادگیری پویا محیطی است که کودکان در آن ترغیب می شوند تا با محیط خود تعامل داشته باشند تا از طریق تجربه ها، تعاملات اجتماعی، و بحث با دیگران، معنا سازی و کسب اطلاعات کنند. در محیط یادگیری پویا، مربیان نقش کلیدی برای تشویق کودکان برای یافتن معانی عمیق تر و ارتباط بین ایده ها و مفاهیم، رویه ها و نمایه ها دارند. این امر مستلزم در نظر گرفتن احساسات و تفکرات کودکان از سوی مربی شان است. (اقتباس شده از چهارچوب استانداردهای درسی استرالیای جنوبی و مسئولیت پذیری (SACSA)، مقدمه کلی، صفحات ۱۰ و ۱۱).

نماینده: قادر بودن به انتخاب و تصمیم گیری، تاثیر گذاری بر وقایع و دنیای خود می باشد

سازگاری: "سازگاری شامل تغییر در حالات روحی هنگام انجام یک کار است که حالت مربوطه از طریق تغییر چهره، صدا، حرکات بدنی، و تماس چشمی به فرد مقابل منتقل شود". (Siegel, 1999).

کودکان: به کودکان کوچک، نوپا، و بچه های سه تا پنج ساله اطلاق می شود مگر اینکه طور دیگری عنوان شده باشد.

مشارکت در جامعه: قبول نقشی فعال در جامعه

طرح ریزی با هم: یادگیری زمانی رخ می دهد که کودکان با مربیان و با هم در حین همکاری تعامل کنند

جوامع: گروه ها و شبکه های اجتماعی و فرهنگی که یک هدف، میراث، حقوق، مسئولیت ها و رابطه های مشترک دارند "جوامع" به محیط کودکی، روابط فAMILI نزدیک و دور، مردمی که در یک منطقه جغرافیایی زندگی می کنند، و جامعه استرالیا بطور کلی اشاره دارد.

تفکر منتقدانه: به شیوه های فکری اشاره دارد که توجه شان به پیامد های رعایت انصاف و عدالت اجتماعی می باشد.

برنامه درسی: در محیط کودکی، برنامه درسی به تمامی تعاملات، تجربیات، فعالیت ها، کارهای روزمره، و وقایعی اشاره دارد که چه برنامه ریزی شده و چه نشده، در محیطی روی می دهند که برای یادگیری و رشد کودکان در نظر گرفته شده است (اقتباس شده از Te Whariki)

استعدادها: عادات پایدار ذهنی و عملکردی، تمایل به واکنش در یک موقعیت به روشی خاص، بعنوان مثال، داشتن دیدگاهی مثبت، استقامت به خرج دادن، مواجهه با تجربیات جدید با اعتماد به نفس.

یادگیری: روند طبیعی کاوش و بررسی که کودکان از بدو تولد و با بسط ظرفیت های ذهنی، فیزیکی، اجتماعی، احساسی، و خلاقانه به آن می پردازند. یادگیری در سنین پایین رابطه نزدیکی با رشد زود هنگام دارد.

چهارچوب یادگیری: راهنمایی که اهداف و نتایج یادگیری کودکان را مشخص می کند و اینکه این اهداف چگونه باید محقق شوند. در این چهارچوب همچنین طرحی ارائه شده است تا مربیان محیط های کودک بتوانند از آن برای تهیه برنامه آموزشی خود با جزئیات لازم استفاده کنند.

نتایج یادگیری: مهارت، دانش، یا استعدادی که مربیان می توانند آنرا بطور فعال در محیط های کودکی و با همکاری خود کودکان و خانواده هایشان در کودکان ارتقاء دهند.

روابط یادگیری: روابطی که یادگیری و رشد در کودکان را بیشتر می کند. هم بزرگسالان و هم کودکان می خواهند از یکدیگر یاد بگیرند.

سواد: در سالهای اولیه یادگیری، سواد شامل یکسری روش های ارتباط مثل موسیقی، حرکت، رقص، داستان سرایی، هنرهای بصری، رسانه و نمایش، و نیز صحبت کردن، خواندن، و نوشتن می شود.

محاسبات: بطور کلی شامل درک ارقام، طرح ها، اندازه ها، آگاهی مکانی، و داده ها و نیز داشتن تفکر ریاضی، استدلال، و حسابداری می باشد.

اسلوب های آموزش: اقداماتی که هدفش ارتقاء یادگیری در کودکان می باشد.

آموزش: اقدامات حرفه ای مربیان کودک بخصوص جنبه هایی از آن که به برقراری و تقویت ارتباط، برنامه ریزی آموزشی، تدریس و یادگیری مربوط می شود.

یادگیری بر پایه بازی: بافت یادگیری که در آن کودکان همانطور که با افراد، اشیاء و نمایه ها ارتباط پیدا می کنند، سازمان دهی کردن را می آموزند و از دنیای اجتماعی خود سر در می آورند.

تعمق: افزایش آگاهی کودکان در مورد راههایی که تجربیات، علائق، و عقاید شان، درک آنها را شکل می دهد.

چهارچوب: تصمیمات و اعمال مربیان که بر پایه دانش و مهارت های فعلی کودکان قرار دارد تا یادگیری در آنها را افزایش دهد.

روحي: به یکسری تجربیان انسان اشاره دارد از جمله حس بهت و حیرت، و جستجوی بودن و دانستن.

فن آوری ها: چیزی فراتر از رایانه و فن آوری های دیجیتال است که برای تبادل اطلاعات، مخابرات، و سرگرمی استفاده می شود. فن آوری ها طیف گسترده ای از محصولات هستند که دنیای تکنولوژی را می سازند. این محصولات فراتر از محصولات مصنوعی هستند که افراد آنها را طراحی و ساخته اند و شامل رویه ها، سیستم ها، خدمات، و محیط ها می شود.

متون: چیزهایی است که ما می خوانیم، مشاهده می کنیم، به آن گوش می دهیم و خلق می کنیم تا مفاهیم را با هم سهیم شویم. متون، بصورت پرینت شده هستند مثل کتاب، مجله، و پوستر، یا الکترونیکی هستند مثل صفحات اینترنت و دی وی دی بسیاری از متون بصورت چند حالته، تصاویر یکپارچه، لغات مکتوب و/یا آواها هستند.

گذار: روند رفتن از محیط منزل به محیط مدرسه، جابجایی بین یکسری از محیط های کودکی، و جابجایی از محیط کودکی به محیط مدرسه بصورت تمام وقت.

رضایتمندی: رضایتمندی با برآورده شدن نیازهای اصلی حاصل می شود- نیاز به دلسوزی و محبت، امنیت و شفاف بودن مسائل، پذیرش در جامعه، کارا بودن، نیازهای فیزیکی، و نیاز به معنادار بودن زندگی (اقتباس شده از (Laevers 1994). رضایت مندی شامل خوشحالی، داشتن عملکرد اجتماعی موثر، خوشبین بودن، اجتماعی بودن، کنجکاوی، و انعطاف پذیری می شود.

- وزارت آموزش، (1996). Te Whāriki. Wellington: Wellington: رسانه های آموزشی. He Whāriki Mātauranga mō ngā /Mokopuna o Aotearoa
- برنامه درسی اوایل کودکی. Moss, P. (2006). موسسات کودکان بعنوان مکانی برای کارهای اخلاقی و سیاسی. مجله بین المللی خط مشی آموزش، تحقیق و عمل: مفهوم سازی مجدد مطالعات کودک، 7، 127-136.
- OECD (2006). شروع خوب II: آموزش و مراقبت در اوایل کودکی: OECD
- Petrie, P., Boddy, J., Cameron, C., Heptinstall, E., McQuail, S., Simon, A., et al. (2008). آموزش- روشی کلی و شخصی برای کار با کودکان و افراد جوان، خدمات گوناگون. London: توماس، واحد تحقیقاتی کورام، موسسه آموزشی، دانشگاه لندن.
- وزارت آموزش، کارآموزی، و هنرهای کوئینزلند، 2008، پایه های موفقیت- دستوالعملی برای برنامه آموزشی در جامعه بومیان و ساکنین Torres Strait، دولت کوئینزلند.
- سازمان مسئول مطالعات کوئینزلند. (2006). دستورالعمل برنامه آموزشی کودکان خردسال کوئینزلند. Brisbane: ایالت کوئینزلند.
- Rogoff, B. (2003). ماهیت فرهنگی رشد انسان. Oxford: Oxford University Press
- Shonkoff, J., & Phillips, D. K. (2000). از باخته عصبی تا همسایگی: علم رشد در کودکان خردسال. Washington, DC: National Academies Press
- Siegel DJ, 1999:88. ذهن در حال رشد Guilford Press, New York
- Siraj-Blatchford, I., & Sylva, K. (2004). تحقیق در خصوص آموزش در پیش دبستانی های انگلیس مجله تحقیقات آموزشی، 30(5)، 712-730
- Sylva, K., Melhuish, E., Sammons, P., Siraj-Blatchford, I., & Taggart, B. (2004). بندهای موثر در آموزش به پیش دبستانی ها: گزارش نهایی لندن: انتشارات DfES Sure Start و موسسه آموزش.
- Uprichard, E (2007). "بودن" و "شدن" در کودکان: کودکان، کودکی و زودگذری. کودکان و جامعه، 22، 303-313
- Wood, E (2007). جهت های تازه در بازی: اتفاق آراء یا عدم تفاهم. آموزش 13-3، 35(4)، 309-320.
- Woodhead, M., & Brooker, L (2008). حس تعلق. اوایل کودکی مهم است (111)، 3-6.
- Bailey, D. B. (2002). آیا دوره های مهم برای مریبان کودک، مهم است؟ نقش زمانبندی در آموزش کودکان خردسال. مجله سه ماهه تحقیق در خصوص اوایل کودکی، 17، 281-294.
- Brooker, L., & Woodhead, M. (Eds.). (2008). ایجاد هویت مثبت. Milton Keynes: دانشگاه باز.
- Fleer, M., & Raban, B. (2005). سوادخواندن و نوشتن و ریاضی که از تولد تا پنج سالگی مهم است. مروری بر ادبیات. کانبرا: وزارت آموزش، علوم و کارآموزی.
- Carr, M. (2001). محیط کودک در اوایل کودکی: لندن: Paul Chapman
- وزارت آموزش و خدمات کودکان (2008). ارزیابی یادگیری و رشد در سالهای اولیه با استفاده از مقیاس های بصری: تفکر، احترام، ارتباط، آدلاید: چاپخانه DECS.
- وزارت آموزش و کارآموزی، و استخدام (2001). برنامه آموزشی در استرالیای جنوبی، استانداردها و چهارچوب مسئولیت پذیری، آدلاید: چاپخانه DECS.
- Gammage, P. (2008). دستور کار اجتماعی و مراقبت و آموزش در کودکان خردسال: آیا ما واقعاً می توانیم دنیای بهتری خلق کنیم؟ مقاله توسعه آنلاین 4. The Hague: سازمان Bernard van Leer Foundation
- Grieshaber, S. (2008). کلیشه های منقطع کننده: تدریس و آموزش به کودکان خردسال. آموزش و رشد خردسالان، 19(3)، 518-505.
- Hertzman, C. (2004). اولویت بخشی به رشد کودکان خردسال: درسهای از ونکوور. Ottawa: مرکز کانادایی گزینه ها در خط مشی.
- Laevers, F. (1994). تعریف و ارزیابی کیفیت در آموزش کودکان خردسال. Studia Paedagogica. Leuven: Leuven University Press
- Lally, R. (2005). حقوق بشر برای نوزادان و کودکان نوپا: مقایسه فلسفه های مربوط به مراقبت از کودکان در اروپا، استرالیا، نیوزلند و ایالات متحده. صفر تا سه 43-46
- Mac Naughton, G. (2003). شکل گیری اوایل کودکی: دانش آموزان، برنامه درسی، و بافت ها. Open University Press
- Martin, K. (2005). کودکی، زندگی و ارتباط: روش های بومیان برای بودن، دانستن، و انجام دادن. در Phillips & J. Lampert (Eds.), مطالعات مقدماتی آموزش بومیان: اهمیت دانستن (27 pp-40).
- Frenches Forest, Sydney: Pearson Education Australia

